



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل، کلیه فواین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس انتصابات - آکهای رسمی و قانونی

شماره ۱۷۹۷

شنبه ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۱۳۵

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- مذاکره در ورود دستور و بیانات قبل از دستور - آقایان: آشتیانی زاده - حاذقی - دکتر کاسمی - تیمور تاش - فرامرزی - معطل
- ۳- بیانات آقایان: مکی و آشتیانی زاده بعنوان ماده ۹۰ آیین نامه
- ۴- بقیه مذاکره در برنامه دولت آقای علاه نغست وزیر
- ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه



مجلس ساعت ده و بیست دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت اسامی غائبین جلسه قبل قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: یالزی - دکتر علوی - اورنگ - محمد علی مسعودی - مسکر - صاحبجمع - ظفری - اسکندری - ناصر صدری - وهاب زاده

غائبین بی اجازه - آقایان: حسین خاکباز - محمود مسعودی - دکتر مصباح زاده - قبادیان - منصف - قهرمان - خسرو قشقانی - ابریشم کار - کنجی - ملک مدنی - دکتر مظفری - گرگانی - ناظر زاده - تولیت - صفائی - دکتر سید امامی - شهاب خسروانی - حمیدیه - قرشی - عماد تربتی - مهسن طاهری - سالار بهزادی - رضوی - دکتر طاهری - پیراسته - هراتی - امیر افشاری - رستم

کیو - طباطبائی - معین زاده

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: نثار اسلامی - فلامرضا فولادوند - یکساعت - آقایان فرامرزی و مکرم - ۳۰ دقیقه - آقای امیر قاسم فولادوند یکساعت - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: حسن اکبر برومند - سلطانی ۴۰ دقیقه - رئیس - آقای حاذقی نسبت بصورت جلسه قبل نظری دارید بفرمائید

حاذقی - راجع بصحیح نوشتن بیانات آقایان نمایندگان در روزنامه رسمی مکرر صحبت شده ولی کمتر توجه شده اشتباهاتی که در بیانات من هست در جلسه گذشته زیاد است ولی یکی که خیلی معنی را عوض کرده در صفحه ۵ راجع به بیانات من نوشته شده است که گفتیم دولت راجع به نطق مردود معرفی کردند آقای آشتیانی زاده اینجا نوشته اند بملت مردود معرفی کردند و این معنارا

بکلی هوش کرده - رئیس - به تند نویسی بدهید اصلاح کنند آقای فقیه زاده

فقیه زاده - بنده جلسه قبل عرض کردم وقتیکه چند روز قبل رفته بودم قزوین بعوزمانتغایبهام اهالی قزوین تقاضا داشتند که چون سال قبل سمبایشی مالاریا شده است و نتیجه مطلوبه حاصل شده است امسال هم تجدید بکنند مخصوصاً در شهر و شهرها هم ضمیمه بکنند و من تقاضای اهالی را به آقای کفیل وزارت بهداری ابلاغ کردم ایشان به بنده نوشتند که اعتبار نداریم باینجهت از آقای رئیس - الوزرا تقاضا کردم که اعتبار لازم بوزارت بهداری بدهند و اینجا قضیه را بمکس نوشته اند نوشته اند که اهالی نوشته اند استدها میکنم اصلاح بفرمائید - رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود دیگر نظری نیست (گفته شد خیر) صورت مجلس تصویب شد

(۴- مذاکره در ورود دستور و بیانات قبل از دستور آقایان: آشتیانی زاده - حاذقی - دکتر کاسمی - تیمور تاش - فرامرزی - معطل)

رئیس - سه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند (نمایندگان - دستور دستور) آقای آشتیانی زاده آقای حاذقی آقای کفیل

آشتیانی زاده - آقای رئیس بنده در شب تمام شب را اینجا بودم و نتوانیدم برای اینکه امروز صحبت کنم

شوشتری - اجازه بفرمائید حرف بزنم - رئیس - مخالف با نطق قبل از دستورید ؟

فرامرزی - بنده موافق با نطق قبل از دستورم

رئیس - آقای فقیه زاده - فقیه زاده - پریروز آقای فرامرزی اعتراض کردند بتعلق قبل از دستور حضرتعالی فرمودید فقط چون شروع کردیم اجازه میدهیم جلسه بعدا به بحث در برنامه می پردازیم

فرامرزی - نطق قبل از دستور در نظامنامه

هست و جز با طرح نمیشود تغییرش داد .  
رئیس - پیشنهادی رسیده از آقای ذوالفقاری که فرائت میشود .  
( بشرح زیر فرائت شد )

ریاست محترم مجلس شورای ملی - پیشنهادی نمایم بجای نطق قبل از دستور برنامه دولت مطرح شود - ناصر ذوالفقاری  
ناصر ذوالفقاری - اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم .  
رئیس - بفرمائید .

ناصر ذوالفقاری - الان ساعت ده و نیم است آقایان میدانند برای هر نفری باید یک ربع صحبت بشود این سه ربع از روزیکه دولت آمده با این اوضاع و احوال مملکت هر روز تا نیم بعد از ظهر صحبت میشود و برنامه دولت رسیدگی نمیشود بنده خواستم استدعا کنم که برنامه دولت را ادامه بدهید و آقایانی که اسم نویسی کرده اند صحبت نکنند تا تکلیف دولت امروز معلوم شود ( عده ای از نمایندگان - صحیح است )

رئیس - آقای فرامرزی  
فرامرزی - این نطقهای قبل از دستور حالا در واقع خودش بحث در اطراف برنامه دولت است برای اینکه با این ترتیب یکتفریکه مخالف یا موافق حرف میزند همه آن کسانی که نظر دارند حرف دارند بزنند برایشان میسر نیست (عده نمایندگان - صحیح است ) آنها تکیه میخوانند نطق قبل از دستور بکنند هم در اطراف برنامه دولت است بنده مخالف با این پیشنهاد هستم برای اینکه من اول روزه که در سیاست اسم استقلال ایران را شنیدم اسم آقای هلا را با خدمت شنیده ام یعنی شنیده ام که یک شخصی با اسم آقای هلا در امریکا است و او از استقلال ایران دفاع میکند و انگلیسها جزو شرطوشان قرارداد کرده اند که این را از امریکا بخواهند تا دولت ایران در امریکا دست نداشته باشد بعد از جنگ بین المللی دوم با این آدم در مقابل انگلیسها در مقابل روسها ایستاده از وحدت و استقلال ایران دفاع کرده (عده ای از نمایندگان - صحیح است ) این آدم را در مجلسی که من نشسته ام میبینم که بدترین خیانت را که از آدم کشی هم بدتر است با نسبت میدهند من نمیتوانم بشنوم و سکوت بکنم باید حرف بزنم یا در برنامه حرف بزنم یا در نطق قبل از دستور و اشخاصی مثل من هم که بنده هستم هیچ ندارم برای اینکه این بیفتد و کس دیگری بیاید اینها همه شان میخواهند حرف بزنند آنها هم که بنده هستم ندارم و استقلال و وحدت و حیثیت مملکت را در نظر دارند و از تشنج بعد می ترسند آنها علاقمند هستند که این دولت بماند (عده ای از نمایندگان - صحیح است ) بنا بر این از کسانی که میخواهند حرف بزنند بعضی من خودم هستم رئیس - رأی گرفته می شود باین پیشنهاد اشخاصی که با نطق قبل از دستور موافقت مینمایند کنند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد آقای آشتیانی زاده  
آشتیانی زاده - دیروز بین اجازه داده نشد تا منویات طبقات زحمتکش مردم ایران را راجع به حکومت سرنیزه و زد و خورد در سرتاسر خوزستان

اطلاع مجلس برسانم دولت آقای هلا با یک سلسله اقدامات بفتح کمیانی نفت جنوب موفق شد در مقابل مطالبات حق کارگران نفت سرنیزه با آنها تعویذ دهد باین عمل و حسابانه و تروریستی خود صورت قانونی بدهد وقتی من شنوم که عده وحشت دارند مبادا قشون انگلیس وارد ایران شود تعجب میکنم این اشخاص نمی دانند و قتیکه دستگاه حاکمه مملکت سرنیزه سربازان و همان پلیس را در راه حفظ منافع انگلستان بکار میبرند انگلستان چه احتیاجی دارد خود را زحمت انداخته و متجاوز معرفی کند ؟ من از شما میپرسم اگر قشون انگلیس از موقع حساس ایران ملاحظه نمیکرد و خوزستان را بر فرض محال اشغال مینمود فرمانده نظامی انگلیس با کارگران ایرانی جز همان معامله ای را که دولت هلا میکند انجام میداد شرکت نفت بدون هیچ مجوز سی درصد از حقوق کارگران را کسر کرده است کارگران هم بر استرداد حقوقشان از یک حق قانونی بین المللی یعنی اعتصاب استفاده کردند تا کمیانی را مجبور به پرداخت حقوق خودشان کنند دولت بجای اینکه به کمیانی فشار بیاورد و از حقوق کارگران دفاع کند در سرتاسر خوزستان حکومت نظامی اعلام کرده است و با تحریکات همدی و تیراندازی بطرف کارگران حوادثی وجود آورده که خون چندین نفر زحمتکش و زنان و اطفال آنها پایمال شده است دیروز کارگران بوسله تلگراف اطلاع دادند که کوچکترین عمل تحریک آمیزی از طرف کارگران نشده بلکه سربازان برای مجبور کردن کارگران به شکستن اعتصاب بطرف آنها شلیک کرده اند مسئول خون کارگران وزن و بچگی بکنام آنها جز دولت آقای هلا و اشخاصی که با او زد و بند کرده اند چه کسی میتواند باشد ؟  
تأیید از اهل حکومت نظامی در خوزستان با وجود اعتصاب هیچ حادثه اتفاق نیفتاده بود و بطوریکه مشاهده شد و تمام این اقدامات تحریک آمیز و این وقایع خونین مربوط به بعد از اعلام حکومت نظامی است پس مسئول تمام حوادث و وقایع اسف انگیز خوزستان دولت آقای هلاست و لا محاله . و تمام این جنایات فقط بمنظور حفظ منافع کمیانی نفت جنوب بوقوع پیوسته است .  
بیخود نیست که در یک چنین موقع حساسی آقای هلا مکار آقای قتی زاده و شریک او در انشاء قرارداد ۲۲ زامدار میشود و تعجب است که چطور جناب آقای دکتر مصدق بدون پروا از وجه و شخصیت بعنوان یک وکیل مدافع از علاه دفاع میکنند و در همان حالیکه قتی زاده و اشخاصی که با او شرکت هلا در مقدمات تنظیم قرارداد اعتراف دارند و جهل او را نسبت بمواقف کار دلیل بیبگناهی او میدانند .  
در صورتی که جناب آقای دکتر بخوبی میدانند اگر جرم و جنایتی واقع شد مجرم و هر گناه وی هر دو تحت تعقیب قرار می گیرند و هر دو مجازات میشوند و اگر شریک جرم از هلاست کار جرمی که انجام داده اظهار بی اطلاعی و جهل کند موجب تیره او نخواهد شد فقط مجازات شریک یک جرمی از مجرم اصلی خفیف تر خواهد بود .  
آقای دکتر مصدق با یک اصرار غریبی سعی در

تیره آقای هلا دارند و منجمله دلیل می آورند که مأمورین دولت در زمان دیکتاتوری نمیتوانستند از امر دولت تخلف و سرپیچی کنند در صورتی که اگر این بهانه کافی برای تیره از جرم باشد قتی زاده هم که صریحاً بهمین عنوان اشاره کرده مستوجب عفو خواهد بود هم جناب آقای دکتر هیچگاه حاضر نیستند قتی زاده را مشمول چنین حکمی قرار دهند بنا بر این مسلماً شریک او هم مشمول عفو خواهد بود  
عجب است که آقای دکتر مصدق آقای هلا را بعنوان یک شخص بی اراده معرفی کردند و فرمودند که قیام لازم دارد و این قیام با نفوذ در حال حاضر آقای قتی زاده است که حتی آقای هلا از آقای دکتر مصدق هم قبول نکرده است که او خیانتی بوطن کرده باشد .  
بنده نمیدانم چه مواعظی داشته است که جناب آقای دکتر مصدق بدون پروا از هلاست این مدافعات بنام جبهه ملی مانند یک وکیل مدافع کوشش بیفائده برای تیره آقای هلا بکار برند و تنها دلیلی که ایشان بالاخره برای طرفداری جبهه ملی از دولت هلا اقامه فرمودند این بود که مبادا قوام السلطنه باشخص دیگری مانند او روی کار بیاید و روی این منطلق فردا ممکن است شمر و خولی هم مورد حمایت جناب آقای دکتر واقع شوند .  
وظیفه بنده نیست راجع با آقای قوام السلطنه حرفی بزنم ولی اگر آقای دکتر مصدق ایشان را تا ایندرجه فاقد صلاحیت میدانند و اعتقاد دارند که کابینه ایشان برخلاف قانون و مصلحت مملکت عمل کرده و حزب دموکرات ایران در انتخابات مداخلات غیر قانونی نموده و هزاران عیب شرعی و عرفی دیگر داشته است پس چطور در جبهه ملی حاضر ب همکاری با کسانی شدند که با در کابینه آقای قوام السلطنه عضویت داشته اند مانند جناب آقای دکتر شایگان و آقای صالح و آقای امیر علائی و یا از اعضاء فعال و برجسته حزب دموکرات ایران بوده اند ( امیر علائی - بنده در کابینه قوام السلطنه کار بندگی نکرده ام ) از قبیل آقای مکی و دکتر بقائی .  
وقتی آقای دکتر مصدق با این شدت قوام السلطنه و حزب دموکرات را تکفیر میکنند پس چطور حاضر میشوند با کسانی در جبهه ملی همکاری کنند که با عنوانی از عناوین با قوام السلطنه همکاری داشته اند . برای اینکه قضایات همکاری با جبهه ملی جناب آقای دکتر با آقای قوام السلطنه روشن شود من فقط چند جمله از مقاله آقای حسین مکی را که در روزنامه دموکرات ایران نوشته اند میخوانم .  
در خانواده مرحوم میرزا ابراهیم متمد السلطنه در تهران مولودی یا بر سره وجود نهاد که در آن روز تصور میشد مولود جدید تنها از آن خانواده خود میباشد ولی بعد سیر تاریخ و گذشت زمان و مرور ایام نشان داد که آن وجود شریف تنها از آن خانواده خوبش نبوده بلکه تعلق بکشوری دارد که مشایخ و نوابغ و بزرگان زیادی را در آغوش خود با جان و دل پرورش داده ( کشاورز صدر - منظور آقای متمد السلطنه بوده است ) برای اصلاح شئون مادی و معنوی کشور در بهیچوجه مشکلات و شایب در سخت ترین ادوار مأمور کرده است .  
مکی - جمله آخر مقاله را بخوانید خودم مقاله ای

را که نوشته ام میآورم .  
دکتر بقائی - همه اش را با ایشان نداده اند که بخواند .

آشتیانی زاده - بفرمائید آن روز نامه و کمکرات ایران را از کتابخانه مجلس بیآورند این عیب جناب عالی نیست جناب عالی رئیس کمیسیون تبلیغات حزب بودید مدیر کل شهرداری بودید حالا می نشینید تکذیب میکنید ( صفوی - تکذیب میکنم ) شما حقان است ولی ایشان نباید بکنند و بیخود میکنند یک تیغه دیگر آن را میخوانم .  
فرمان مشروطیت ایران بخط و امضای معظم له میباشد که گراور و عکس آنرا در غالب مجلات و جراید و تواریخ منتشر نموده اند .

این فرمان بدون شک موجب یک تعول عظیم و شگرفی در ایران میباشد چه پس از صدور این فرمان نهضت آزادی و آزادخواهی در کشور ایجاد گردید که تا امروز هم دنباله همان جنبش پیش می رود و البته انشاء کنند و نویسنده چنان فرمانی مقام بس ارجمند و شامخی را در قلوب آزادخواهان و صفحات پرافتخاری را از تاریخ مشروطیت ایران بخود اختصاص داده است .

اگر آن روزیکه آقای احمد قوام یا بر سره وجود گذاشت فامیل جلیل ایشان تصور می نمودند که این مولود از آن آن خانواده میباشد شاید گمان ایشان بخطا نرفته بود ولی وجود آقای احمد قوام بجایمه و ابراز لیاقت و شایستگی هائی که پشت سر هم از خود بروز دادند ثابت کرد که معظم له بعد ما مشاغل مهم و خطیری را عهده دار خواهند گردید و درست ترین ادوار تاریخی ایران زمام و مهار کشور ایران را بهید قدرت خود خواهند گرفت و با نیروی کار دانی و تدبیر و حسن کفایت و درایت خویش ناخدای کشتی طوفان زده ایران خواهند شد و برای رسانیدن آن بساحل نجات شب و روز قرار و آرام را بر سر خود حرام خواهند کرد .

بنده لازم نمیدانم مقاله آقای دکتر بقائی را در شاهد اینجا فرائت کنم و اظهارات جناب آقای دکتر شایگان را در همین مجلس تکرار کنم همینقدر عرض میکنم که وقتی آقای دکتر مصدق با همکاران آقای قوام السلطنه کار میکنند با آنها درجبهه واحدی هستند اگر مطلبی راجع بایشان بگویند خدای نکرده حمل بر غرض خواهد شد و بسلاوه در جواب این بنده که وجه ارتباط با آقای قوام السلطنه پیش از اغلب آقایان اعضاء جبهه ملی نیست بجهت مسأله موضوع ایشان را مطرح می فرمایند مگر اینکه ترسانند بعضی آقایان نمایندگان و تقویت آقای هلا چنین تا کی یکی را انتخاب فرموده باشند که البته متنازعه در هر صورت آقای هلا در عوض اخذ حقوق کارگران از کمیانی ( آزاد - آقا کمیانی دیگر وجود ندارد بعد از ملی شدن صنعت نطق سرنیزه بشکشان فرو برد و زن و فرزندشان را داغدار کرد نشان داد که ملی رخم اصرار جناب آقای دکتر مصدق هنوز هم برای ادامه این جریان آماده است دولتی نتواند یک کمیانی را مجبور ب پرداخت حق کارگران بشاید چگونه قدرت خواهد داشت لا اله الا الله تعالی در دفاع کند و من تعجب میکنم که

جبهه ملی چه اصراری در تقویت چنین دولتی دارد خیلی مضحک است که آقای نایب لئون وطنی که از تمام نقشه های جنگی ناپلئون فقط میدان (واترلو) را خوب یاد گرفته است قبل از اینکه کاملاً تثبیت شده و بمیانند به پیرونده سازی برای مخالفین خود مشغول شده عرض میشود که این موضوع پیرونده سازی در مملکت ما متأسفانه الان آقای فرامرزی حرف خوبی اینجا زدند و قتی که من میکنم خوب وقتی که تو میکنی بد است اشخاصی که مدتها کریتیک و انتقاد و آتاک میکنند این رویه و طرز فکر و قتی که خودشان وزیر میشوند خودشان این عمل را شروع میکنند با وضع بدتری روز اول یکی از رفقای جناب آقای هلا یعنی یکی از دوستان دولت ایشان بنده را تهدید کرد که تو اگر مخالفت بکنی با این دولت دولت نمیگذارد و کیل بھوی و من بجای تو کیل خواهم شد و من اینجا عرض کردم حال از راه دیگری شروع کرده اند بنده وقتی این جریان را فهمیدم یعنی من خبر دادم که که یک چنین جریانی در شرف تکوین است بی اختیار متوجه به اتاک دوستان محترم ایشان شدم بنده آقایان و دوستان خودم ارادت دارم . آقای مکی و آقای دکتر بقائی در جلسه فوق العاده مجلس که فرمودند خواهیم گفت که چه اشخاصی کارگران را سفارت شوروی سوق دادند من نفهمیدم من آنشب معنی فرمایش آقایان را نفهمیدم توجه نکردم روز بعد من خبر دادم که اشخاصی که من اسمشان را نمیبرم یا شهر بانی تازه ای که آمد بهتر بشود بدتر شد یعنی با همان همکاران مختاری که از نو همانا آمدند و دارند کار میکنند حتی بشاه مملکت گزارش دادند که آشتیانی زاده با تومبیل سبز رنگش را یکمده ای از ورامین به تهران آورده و این عده را در اطراف سفارت شوروی آورده بودند که در آنجا پناهانده شوند و متحصن گردند ( نورالدین امامی رنگ اتومبیل را عوض کن ) حال این اهمیت ندارد . بنده از این حرفها نمیرنجم چون میدانم که این حرفها شدنی نیست و اینکارها عاقبت ندارد . فقط غرض اینست که آقای هلا شمرارد واردی نیستند شما از جریان کارهایتان اطلاع ندارید شما مملکت را نمیشناسید

رئیس - آقای آشتیانی زاده مراعات کنید  
آشتیانی زاده - بنده که توهم نمیکنم می گویم اطلاع ندارند شما در این مملکت نبودید شما سفیر کبیر خوبی بودید شما ترجم خوبی بودید شما چه میدانید در کردی و روهروها و سورخ و سبیه های مملکت چه فجایمی در جریان است . در زمین شما این فجایع را بدون اینکه شما کوچکترین خبری داشته باشید از این وضعیت انجام خواهند داد چرا ؟ برای اینکه شما قادر نیستید احاطه بر وضعیت پیدا کنید و مسلط بر اوضاع باشید . شما این کاره نیستید شما آن بالا نشسته اید و بیست میز کافه امضا میکنید شما چه خبر دارید ( کشاورز صدر - رئیس الوزرای قانونی هستند این عیب ایشان نیست ) این بود که بنده خواستم این موضوع را بر عرض مجلس برسانم و عرض کنم از این جریانات خیلی پیش خواهد آمد در همین دولت که آقای دکتر مصدق السلطنه تشییعشان هستند  
رئیس - وقت شما تمام شد  
آشتیانی زاده - این مقاله را اجازه بدهید

بخوانم .  
رئیس - باید رأی گرفت  
آشتیانی زاده - اینجا آقای دکتر مصدق السلطنه رأی نگرفته صحبت کردند  
رئیس - مخالفی نبود حالا هم اگر مخالفی نیست ( نمایندگان - خیر ) بفرمائید ۵ دقیقه دیگر صحبت کنید .  
آشتیانی زاده - در هر صورت هم آقای علاه و هم طرفداران سری ایشان بدانند که من با این یا بر سر دوزیها از میدان در نیبروم و دوران حکومت پلیسی هم طولی نخواهد کشید و خیلی زود در و دیوار آن بر سر بانیان آن شراب خواهد شد بنده از اظهار خیلی از مطالب خودداری میکنم تا مبادا حمل بر سر عهت یا مبارز طلبی کنند ولی بار دیگر عرض میکنم که این کابینه صلاحیت زمامداری را موقمی که موضوع ملی شدن نفت مطرح است ندارد جبهه محترم ملی هم با سازش با این دولت جز ضرر و زیان چیزی مایدش نخواهد شد چون آقایان محترم در همین حال که دولت مدار هستند خیلی میرو دارند اقلیت مبارز و اصولی هم باشند خاطر محترم آقایان را باین وضع متوجه میسازم این مقاله را آقای دکتر فاطمی کاندید نجف آباد که الان زمینه انتخاب ایشان هم در کابینه آقای علاه از نجف آباد فراهم میشود نوشته اند و اقلیت اگر دیوانه و خائن نباشد باید روش خود را تغییر دهد - در این چند روزه یک نکته قاعده بر اقلیت « من در آوردی » مجلس شورای ملی ثابت و مسلم شده باشد و آن اینکه استبداد برای و روش دیکتاتوری در دنیای امروز بویژه در کشور ما که ۲۰ سال زمر چنانگرای استبداد و دیکتاتوری را در کام داشته است پیشرفت ندارد و کاملاً حرف مفت است که در یک پارلمان از هر قبیل که باشد یک اکثریت ۸۰ نفری در مقابل یک اقلیت ده بیست نفری که عده ای از آنها هم افراد معلوم الحال هستند سیر بیندازند و تسلیم رأی و نظر ناصواب آنها شوند ؟ الی آخر »  
عرض میکنم که :  
بیری مال مسلمان و هو مالت ببرند  
پاک و فریاد بر آری که مسلمانی نیست  
اکنون روی سخن من با آقایان نمایندگان محترم است  
آقایان محترم رأی دادن به این کابینه که رئیس آن از تنظیم کنندگان قرارداد ۱۹۲۲ و اعمال بیست و سه روز آن فقط در راه حفظ منافع کمیانی میباشد متضمن قبول مشولیت تمام خونریزی های جنوب و پیامد کردن حقوق ستمکشان ایران و اهانت بمقدسات ملی محسوب میشود  
جز اینکه با روشهای پلیسی در سرتاسر ایران بمنظور تهیه زمینه جهت اعلان حکومت نظامی آشوب و بلوا راه میندازد قادر به برداشتن کوچکترین قدم اصلاحی نخواهد بود  
آقایان محترم !  
اوضاع کشور ما بر اثر عدم کفایت زمامداران و ضعف و عدم توانائی دولت حاضر رو بویخاست است من میترسم که خدای ناگردد اینگونه طفره زدنها از فهم حقایق کشور ستندیده ما را دچار مغایرات ناسمجگیتی بکنند که نجات از آن برای ما خیلی گران تمام شود

در یک چنین وضعی باید دولتی مصدر کار باشد که اولاً بتواند حسن اعتماد را بر مردم تلقین کند و بر اوضاع و احوال مسلط باشد و قدرت استادگی در مقابل تجاوزات خارجی را از خود نشان داده باشد و بتواند در یک چنین بحرانی که برای کشور پیش آمده است از سیاستهای متضاد بین المللی بشفیع میهن ما استفاده کند قیافه این دولت وسوابق سیاسی رئیس و بعضی از اعضاء آن مسلم میدارد که این دولت نه قادر با اداره مملکت خواهد بود و نه صلاحیت زمامداری دارد.

حکومتی که بر سر نریزه تکیه کند و بزور سر نریزه خود را بر مردم تحمیل کند قادر با اداره امور مملکت نخواهد بود

رئیس - آقای حاذقی

حاذقی - من خدارا شهادت میطلبم در این مراحلی که میکنم جز صلاح و سعادت مردم (عده ای از نمایندگان - از مجلس خارج میشدند)

رئیس - طوری آقایان بیرون تشریف ببرید که جلسه از اکثریت نیفتد

حاذقی

و مملکت ایران و مردم ایران و جز ادای یک وظیفه وجدانی که بکلام الله مجید قسم خورده ام که آنرا رعایت بکنم هیچ منظوری ندارم آقایان همکاران محترم شاهد هستند که من همیشه طرفدار نظم مجلس هستم طرفدار این هستم که مجلس بدون تشنج و بدون تشتت کارهای مهمی را تصویب بکند و وظایفی که قانون اساسی بهمه او گذاشته است انجام بدهد. بنام یک وکیل ملت از طرف خود و از طرف مردمی که نماینده آنها هستم از بیانات همکار خودم آقای آشتیانی زاده اظهار امتنناز و تشکر میکنم زیرا این بیاناتی که ایشان کردند همه آورده به یک سلسله افراض و مقاصد در راه مصلحت مملکت بود که ایشان اینجا پاروی حق و وجدان گذاشته و آنچه را که نوشته بودند و بدست ایشان داده بودند خوانندند آن چیز هائی که بشخص جناب آقای علاء و دولت ایشان نسبت داده اند من قویاً تکذیب میکنم برای این که شخص آقای علاء عمری را بیا کدمنی و تقوی و خدمت بمملکت گذارنده اند (صحیح است) و مردم ایران با کمال هوشیاری منتظر تصمص مملکت مجلس شورای ملی هستند که بارائی مثبت خودشان مفت بردمان آن کسانی که برای پیروی از هوی و هوس خود هان مملکت را با تشنگی میکشند بزنند (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه تشکیل اکثریت شد) آقایان محترم تاریخ با نشان میدهد همیشه یک مبارزه ای بین حق و باطل وجود داشته این مبارزه در تمام ادوار تاریخ بشری شدت بین طرفداران حق و باطل وجود داشته و اشخاص باطل طلب همیشه زیر ماسله حق طلبی زیر لافانه مفاصله و سفصله با حق مبارزه میکردند که حق را بیرون کنند و باطل را جایگزین آن سازند. الان مادر مقابل ملت ایران در مقابل تاریخ معاصر مواجهه با یک مساله حیاتی هستیم، وضع مملکت ما همه آقایان بهتر از من واقفند که ایجاد میکند که مجلس شورای ملی یک تصمص مفاصله ای که منی بر مصلحت اندیشی مملکت باشد بگردد. این بیاناتی که همکار ما آقای آشتیانی زاده بقصد افغان

ما بقصد اغلال در تصمص ما بقصد اشتباهکاری می فرمایند من امیدوار هستم که در تصمص آقایان هیچ تأثیری نداشته باشد. آقایانی که خودشان طرفدار صحبت قبل از دستور هستند حرف خودشان را که زود بیرون میروند این نشانه اینست که آقایان با آنچه که میفرمایند مقیدند ندارند - قرآن مجید میفرماید یا ایها اللدین آمنولم تقولون لالمؤمنون کبر مقتاه انذالان تقولوا المالاتقولون خوب بود آقایان هر چه میگفتند خودشان معتقد بودند ولی حرفهای که معتقد نیستند در تصمص مردم هیچ تأثیری ندارد و مردم نمیپسندند آن حرف هارا. اسنادی که بجناب آقای علاء دادند راجع به مرود بود و مساله نفت من باز هم میگویم اینجا تکذیب بکنم برای اینکه جواب دولت به سفارت انگلیس یک جوابی است روشن که دیگر هیچ جای تأویل و تفسیر باقی نماند من خواستم عرض کنم که دولت ایشان مصمم است که بر طبق قانون حقوق ملت ایران را تأمین کند من خواستم عرض کنم که حکما می گویند که برای هر چیز چهار وجود، وجود ذهنی، وجود لفظی، وجود کتبی و وجود خارجی است مساله مهم نفت که مدتها وقت مجلس شورای ملی صرف آن شده سه مرحله وجودی اولیه نفت را تحقق داده در ذهن اشخاص بوده که نفت ایران در سراسر ایران ملی شود در زبان همه افتاده و بلفظ گفته شده و روی کاغذ آمده است و آن مرحله که مرحله وجود خارجی است مانده است و همین بیک مرحله وجود خارجی نفت است که آقایان باید با متانت و درایت و عاقبت اندیشی و دقت دولت و مجلس انجام بگیرد آقایان یک کسانی هستند که نمیخواهند بگذارند این تصمص مقدس مجلس شورای ملی و سنا بدست یک دولت مصلح و ملاقمتد بوطن انجام پذیرد. آقایان روشن هستند واقف هستند که شخص آقای علاء و دولت ایشان کسانی نیستند که بگذارند یک ذره از حقوق ملت ایران کم شود آقای فرامرزی همکار معترم فرمودند وقتی انگلستان بدولت ایران فشار می آورد که آقای علاء نباید در واشنگتن مدافع حقوق ملت ایران باشد و وقتی همین شخص آقای علاء در مقابل تجاوز مساله شمالی در سازمان ملل متحد با کمال همت از منافع ایران و از استقلال مملکت ما دفاع کرد (نمایندگان - صحیح است) یک همسو دولتی چگونه حاضر میشود حالا که موجبات و وسائل کامل ملی شدن صنعت نفت فراهم شده در این مسئله حیاتی کوتاه بیاید من خواستم به آقایان اطمینان بدهم افکار ملت انگلستان بر له ملت ایران مجهز است، افکار ملت آمریکا بر له ملت ایران ملاحرا با یک کدمنی و وطن دوستی و علاقتمندی بمملکت خوب می شناسند (کشاورز صدر - یادداشت آقای انتظام را که بنا بدستور ایشان بوده بگویند) آنها البته یکی از خدمات پرافتخار ایشان است که در تاریخ ایران ثبت میشود آقای آشتیانی زاده بن گفتند که من بدون مطالعه و بدون قصد انشاء با مردم موافقت میکنم و الله اعلم و نیست من شخصی هستم مسلمان و موحد

موحد چه زر ریزی اندر برش چه فولاد بندی نهی بر سرش

امید و هراش نباشد زکس بر این است بنیاد توحید و بس

من یک مردی هستم مستغنی و بی نیاز از تمام خلق خدا فقط محتاج بقدا هستم و هیچ توقی از هیچکس و از هیچ دولتی ندارم ولی من معتقدم که در پشت این تریبون همیشه از حق باید دفاع کرد و دفاع کرده ام آقایان شاهد هستند حتی بعضی از اشخاصی که بر سر کار بودند و از کار بر کنار بودند و افکار هاهم و حتی اغلب مجالسها هم علیه آنها بوده من اینجا بیاس خاطر حق و حقیقت از آنها دفاع کرده ام بدون هیچ بیم و وقتیکه دولت سابق یک رئیس تبلیغاتی که غیر شایسته بود انتخاب کرد من با شدت هر چه تمامتر اینجا علیه دولت سابق کردم و صحبت کردم و وقتی که دوره ۱۶ تشکیل شد آقای ساعد رئیس دولت بود وقتی که آمد اینجا اول کسی که علیه دولت صحبت کرد من بودم که آمدم اینجا با شدت هر چه تمامتر علیه آقای ساعد صحبت کردم که ایشان قانون اساسی را زیر پا گذارنده اند ۷ میانه دوره فترت در مملکت وجود آوردند پس ملاحظه می فرمائید که من هیچوقت بدون قصد انشاء موافقتی با دولت آنها نکردم من نسبت باین دولت عقیده دارم و ایمن دارم و معتقدم هر و کلهی که با احساسات ملت توجه دارد و بوظیفه خطیر حفظ مملکت توجه دارد با کمال علاقه و ایمنی با این دولت رأی میدهم و از این دولت پشتیبانی میکنم و ما بقی وقت را همانطور که عرض کردم با آقایان میدهم

رئیس - چهار دقیقه وقتشان باقی مانده و دقیقه آقای دکتر کاسمی و دو دقیقه با آقای تیمورتاش داده اند ولی عملی نیست (دکتر کاسمی - اجازه فرمائید) خوب است بکنم از آقایان فقط استفاده کند آقای دکتر کاسمی فرمائید

دکتر کاسمی - بنده میخواستم توجه جناب آقای علاء را باین حریق فوق العاده موحشی که در کپاسرا از نذران اتفاق افتاده است جلب کنم در چند روز پیش حریق فوق العاده سختی در کپاسرا ما نذران اتفاق افتاد و کلیه های دهائی که از جنوب و کاله اینها ساخته میشود سوزانید و الان در حدود دوهزار نفر زن و مرد و بچه بیخانمان در آنجا هستند البته اقداماتی شد و جمعیت شیروخورشید سرخ ایران از روی کمال لطف و مرحمت ۱۰ هزار تومان حواله کرده اند و در خود معلم گیسو و راهان تشکیل شد و راهانهای جمع آوری شد و توانگران میلیی داده اند ولی اینها کفاف این عده بیخانمان را نمیکند و دولت باید حقیقتاً قضیه را مورد توجه قرار بدهد و در همین جلسه امشب هیئت دولت تقاضا می کنم این موضوع را مطرح فرمائید و در حدود ۲۰ هزار تومان یا ۱۰ هزار تومان من زیاد تر تقاضا نمی کنم حواله فرمائید که در همانجا یک کمیسیون راهانهای که از معتدین محل تشکیل شده است دوا و روانداز برای مردم آنجا تهیه بشود خیلی تشکر می کنم موضوع چون خیلی فوریت داشت آقای حاذقی دو دقیقه از وقتشان را باینده دادند و از ایشان هم تشکر می کنم

رئیس - آقای تیمورتاش با تشکر از جناب آقای رئیس و آقایان محترم عرضی که بنده داشتم میفرمستم اولاً

بگویم اشتباه نشود بهیچ وجه مربوط بموافقت با دولت یا مخالفت با دولت نیست عرض بنده از لفظ روشن شدن یک جریان تاریخی است که بنده مطلع هستم و آن مربوط بشخص جناب آقای علاء است بنده در اینجا با کمال صراحت عرض می کنم که در وطن پرستی و ایراندوستی و شهامت و شرافتمندی شخص جناب آقای علاء هیچ کوچکترین تردیدی ندارم (صحیح است) اما موضوعی که مربوط بمأموریت ایشان در زنو بود در اینجا مکرر صحبت شده است بنده اجازه میگویم چند دقیقه این موضوع را روشن کنم اگر آقایان اجازه فرمائید و او اینکه یکی دو دقیقه هم از وقت بگذرد (نمایندگان - بفرمائید) اینجا گفته میشود که جناب آقای علاء بعلت مأموریتی که برای رفتن بزنو پیدا کردند مداخله داشته اند در عقد قرارداد ۱۹۳۴ و می خواهند ایشان را هر دینف مسئول مستقیم و عاقد قرارداد ۱۹۳۴ جلوه دهند (آشتیانی زاده - هر دینف نه شریک) این بهیچوجه منطوق با حقیقت تطبیق نمی کند حقیقت بعضی حقیقت تاریخی آن است که بنده اینجا عرض میکنم بعد از مسافرت دوم مرحوم تیمورتاش بلندن و مذاکرات راجع بنفت هنگامی که ایشان مراجعت کردند و در خانه تحت نظر بوده اند اعلیحضرت فقید مرحوم داور و جناب آقای علاء فرمودند که با ایشان تماس بگیرند (آشتیانی زاده - آقای علاء تحت نظر بودند؟) خیر پدر من تحت نظر بودند اعلیحضرت فقید فرمودند که با مرحوم پدرم تماس بگیرند و از جریان مذاکراتی که شده است اطلاع حاصل کنند خاطر شریف آقایان شاید مستحضر باشد که در همان اوان هم جشن و چراغانی برای التاه قرارداد داری در سراسر ایران برقرار بود، جناب آقای علاء حاضر که یکی از شهرد زنده هستند با مرحوم داور رفتند تماس گرفتند و این مربوط بزمانی بود که شکایت کمیانی از ایران در جامعه ملل مطرح بود تا آن زمان بهیچوجه من الوجوه صحبتی از طرح و جریان قراردادی که در سال ۱۹۳۴ تنظیم شد در میان نبود این را آقایان بداند و تاریخها را با هم تطبیق فرمائید تا آن زمان، شکایتی شده بود و دولت ایران باید جواب می گفت بنظر بنده الحق و الانصاف بهتر از جناب آقای علاء که عمری را در سیاست و در دیپلماسی گذرانده اند و همچنین مرحوم داور که البته در جریان بوده اند (فقیر زاده - خدا وحتمش کنند) بهتر از آنها پیدا نمی کردند که بجایه ملل بفرستند این بزرگوار رفت آنجا صحبت کرد گفت و شنید ولی نتیجه آن همان تصمصی بود که گرفتند و بنش را بعنوان حکم قرارداد ندنو گفتند بروید با هم بشینید صحبت کنید مأموریت و نقش آقای علاء آنجا تمام شد، آقای علاء در مذاکرات بعدی راجع به قرارداد و در مذاکراتی که منجر بقصد قرارداد منجوس ننکین ۱۹۳۴ شد بهیچوجه دخالتی نداشته اند من اینجا بصرس قاطع عرض میکنم (آشتیانی زاده - اظهارات تقی زاده است در مجلس یا زدهم) آقای تقی زاده از این بیانات بسیار دارند (آشتیانی زاده - چرا دروغ میگویی) آقای علاء شریفتر از آن است که بخواهد در آن مذاکرات که بآن نتیجه رسید و عاقدش آنها را انکار میکند مداخله داشته باشد (آشتیانی زاده - این حرفها برای مردم تأثیر ندارد مردم بیرون ملتفت جریان هستند و علاء از زبان همین حرفها را میروید)

اگر بنا باشد ما هم بگوئیم من حاضرم آقای آشتیانی زاده من همیشه برای مبارزه حاضرم

فرامرزی - بفرمائید بیرون مبارزه کنید اینجا جایش نیست

رئیس - آقای فرامرزی

جناب آقای آشتیانی زاده در اینجا چند نطق متوالی کردند که البته نطق اولشان که بنده بودم از لحاظ فن خطابه بسیار خوب بود و بسیار خوب اداعه بود و اگر بگفته می ادب نگه میداشتند در الفاظ از نظر من که یک قدری هم مطالعه ادبی کرده ام هیچ عیب نداشت اما اینها همه اش را با اصطلاح اهل فن بهش میگویند دلایل خطابی یعنی آن دلایلی که حرفهای خیلی خوب موثر، پشت هم می اندازند و اغلب شنوندگان که ذهنشان خالی است بهشان اثر میکند ولی آن منطقی نیست یعنی اهل منطق وقتی آمدند مقایسه کردند می بینند که هیچکدامش صحیح نیست عرض کنم بدینخانه در مملکت یک تحریکاتی میشود هر کس روی نظر شخصی حرف میزند و اگر این ادامه پیدا کند توی این مملکت سنگ روی سنگ بند نمی شود برای این که هر دولتی آمد یک عده زیاد دیگری باز کاندید دارند باز دست می دهند بهم تهمت میزنند عملی میکنند تا آن دولت را بیندازند چون آنهایی که دولت را می اندازند زیاد تر از آن هائی هستند که می خواهند دولت را نگاه بدارند برای اینکه الان ممکن است ده نفر آدم کاندید باشند طرفدار های تمام کاندید ها دست بهم میدهند برای انداختن این دولت آنوقت این دولت که رفت یکی بعایت دولت بر میغزید طرفدارهای نه دولت دیگر با این ترتیب دوباره برای بر انداختن آن دولت جدید کار میکنند آخرش دائماً این کار باید ادامه پیدا کند و سنگ روی سنگ بند نمیشود آنوقت غالباً هم آنکسی که عمل میکند کاندیدش موفق نمیشود ولی بنای موجود را خراب میکند خاطر هست در دوره چهارم من اینجا بودم ( اشاره بجایگاه چرائند ) و مرحوم مستوفی الممالک یک عده ای بر ضدش عمل کردند توطئه چینی کردند برای اینکه آقای قوام السلطنه بیاید آقای قوام السلطنه نیامدند البته برای اینکه یک وقتی دولتی را با آن تشنج و جاهلارزه با افکار عمومی انداختند دیگر آن شخص نمیتواند بیاید یعنی وضعیت بهش اجازه نمیدهد مستوفی را انداختند مجلس چهارم را بدنام کردند ملت را رنجاندند کاندید خودشان هم نیامد جناب آقای آشتیانی زاده خیلی خوش آمد که این جا چند بار اقرار کردید باین که دولت موجهی پیدا کرده اند برای آن منظوری که دارند این را اقرار کرده اند - انظر خودشان) از نظر ملیت قصدتان بود؟ موجه یعنی مردم قبولشان دارند آقای آشتیانی زاده امیرالدومنین علی میفرماید اناس اکیس من ان بعد حوا رجلاحتی بروانده آثار احسان، مردم عاقلتر از این هستند که ۵۰ سال گول تدلیم بغورند پیشبر می فرماید ان تجتمع امی علی ضلالت اجتماع و اتفاق ملت من برگرامی ممکن نیست و معال است که پنجاه سال ملت ایران راجع یک اشخاص گمراه شده باشند این فرمایشی که شما میکنید بیاد من میآورد وقتی المیز بدین الله قاهره را تسخیر کرد و خواست بیاید بمصر

به پسر همیش گفت جای من بشین، پسر عمریش گفت بشرطی من بشینم که مالیات اینجا را نخوانم، بن بنمراجعه بکنی شکایت راجع بن را قبول نکنی دستوری هم من ندمی، گفت فکر میکنم بعد به وزیرش گفت وزیر گفت از من ساخته نیست بکسی دیگر معول کنید گفت نه تو باید قبول کنی گفت اگر مجبورم قبول کنم باید فلانی فلانی را بگذارم این جا که بن کک کنند من خودم به تنهایی از همه بر نیایم گفت فکر میکنم جواب میدهم یک مشاوری داغ از او پرسید او گفت این دومی تدلیم میکند دروغ میگوید بعد ممکن است یاغی شود و آنکه صریح میگوید او راست میگوید با او اراجاع کن گفت ممکن است آنکه بشما میگوید راست باشد ولی این را میتوانی حاشا کنی که آخر این مثل اول آن می شود؟ یعنی تازه یاغی میشود؟ این اولش یاغی است حالا شما تصدیق نفرمائید که در مقابل آقای علاء در میان این رجال که حالا شما میخواهید ثابت کنید که بعد از ۵۰ سال علاء درست نبوده اند هستند که در تمام این ۵۰ سال ملت ایران او را (احسن) آیا کسی که ۵۰ سال ملت ایران او را شریف و درست و امین شناخته بهتر از کسانی نیست که ۵۰ سال ملت ایران آنها را نادرست و ناامین شناخته؟ (آشتیانی زاده - این حرف درست است ولی اینجا صدق نمیکند و این هم خطابه است) پرویا کاند فرمودید نشستند برای فلان و بهان دور هم پرویا کاند کرده اند پرویا کاند وقتیکه عمل همراهش نباشد اثر ندارد ابوالعینا یک شاعر عرب بود یک جائی نشسته بود یکی از امرای گفت این سخاوت امرای سابق را که روایت نمیکند اینکار دواقها است دواق یک جاهتی بودند مثل روزنامه نویسهای امروز انسانه جمل میکردند، حکایت مینوشتنند و میفروختند، گفت این داستانهای سخاوت و کرم امرای گذشته کار در آنها است ابوالعینا گفت پس چرا یک افسانه و حکایتی برای جناب عالی وضع نکرده اند، اگر آنها پرویا کاند است اینهایی که روزنامه تأسیس میکنند معارج میکنند که برایشان پرویا کاند بکنند آن پرویا کاند ها بطور اثر ندارد؟ چطور اینکه در روزنامه منتشر کرده اند که خوشامشان کنند بدنامتر شدند پس باید عملی هم باشد تا پرویا کاند اثر داشته باشد (صحیح است) و آنهاستیکه پرویا کاند درباره شان اثر داشته، بقیه بدانند که عمل هم همراهش بوده است همانطوریکه من اینجا عرض کردم بنده اولین دفعه که نام آقای علاء یا آقای علانی را شنیدم بعد از جنگ بین المللی اول بود و من بچه بودم تازه اخبار می شنیدم و میخواندم و آنوقت هم میشنیدم (امامی امری - پس معلوم شد که سن شما هفتاد است) سن من از شما کمتر است و آنوقت میگفتند جزء شروطی که انگلستان میخواهد بایران تحمیل کنند این است که علانی را از آمریکا بخواهند برای این که او در آمریکا زیاد فعالیت میکند و آمریکا برای پاره کردن فراد داد ۱۹۱۹ که یکی از آن رجالی که عرض کردم بسته بود بعضی از آن رجالی که شما طرفدارشان هستید با سر نیزه خواستند عمل کنند علاء برای پاره کردن آن قرارداد عمل میکرد (آشتیانی زاده - بنده طرفدار نیستم و شما طرفدارید تر از آنها هستید حالا می آیم جای آقای

خوب برده را بازه میکند) من اتفاقاً بهم نیاید (رئیس - صحبت خودتان را بفرمائید) (آشتیانی زاده - آقای علاه باید جواب بدهید دوست من کافه روزنامه کیهان خریدم پولش را هم قبلاً داده است بمقدم ۲۰ هزار تومان بیماه داده است حالا دولت میخواهد مصادره کند اهلام جرم میکند کافه را روزنامه کیهان از خارج وارد کرده شما میخواهید مقدم را مجبور کنید و کافه کیهان را مصادره میکند اهلام جرم میکند اینجا کافه را روزنامه کیهان پولش را داده و قبلاً خریدم از خارج خریدم (شوشتی - تجارت آزاد است). هرا یض من زیاد است.

رئیس - آقای فرامرزی پنج دقیقه از وقت شما باقی مانده است.

فرامرزی - بله، عرض کنم هرا یض من زیاد است آقایان اجازه بفرمایند بنده هرا یض را عرض کنم (بعضی از نمایندگان - بفرمائید، بفرمائید) عرض کنم اینطور اشخاص را لجن مال کردن و یک نفر آدم را در این مملکت باقی نگذاشتن (آشتیانی زاده - خدمت بمملکت است یک نفر از این آدمها را باقی نگذاریم) خدمت بمملکت نیست چون ممکن است روی حسن نیت نباشد بنده عرض نمیکنم خیانت است ولی خطا است، اشتباه است الان اگر کسی روزنامه های ایران را بخواند، نطقهای ماها و مردم ایران را جمع بکند نتیجه ای که میگردد این است که تمام ایرانها مزدور اجانب هستند برای اینکه من بشما این را میگویی، شما این را بمن میگوئید دوتائی مان باین آقا میگویی و سه تائی مان به آن آقا میگویی از محصول این گفته ها و نوشته های ۱۰ نام مردم فهمیده این مملکت نو کراچی در می آید و این صحیح نیست (صحیح است) در صورتیکه نو کراچی اجنبی یعنی جاسوسی اجنبی از تمام گناهها بدتر است یعنی از آدم کشی که در قرآن آنرا بزرگترین گناه دانسته حتی مجازاتش را در دین کفر قرار داده از آدم کشی هم بدتر است و استکی باجنبی و بدستور اجنبی خیانت کردن بمملکت (صحیح است) و آنوقت شما بشرفترین اشخاص این نسبت را میدهند این کار صحیح نیست. جناب عالی در تمام صحبت هائی که فرمودید راجع به آقای علاه روی دو موضوع دور میز ندیکه قرارداد ۱۹۳۳ و یکی فراماسونی می گفتید فراماسون، می گفتید قرارداد ۱۹۳۳ هرا یض کم راجع بقرارداد ۱۹۳۳ آقای تیمورتاش اینجا توضیح دادند خودشان هم البته توضیح میدهند ولی جناب آقای آشتیانی زاده این را بداند که رشد سیاسی ترقی ترقی ترقی اینها کم حاصل می شود بنده خودم از کسانی بودم که تا این اواخر قرارداد ۱۹۳۳ را بنفع ملت ایران میدانستم من میدانستم که این بد بوده است همین ملت ایران جشن گرفت برای این قرارداد (آشتیانی زاده - ملت نکرفت شهربانی گرفت) البته شهربانی گرفت، من هم تصدیق می کنم ولی ماها هم نمی دانستیم، همین راجع بپلی شدن صنعت نفت با اینکه آقای مکی و آقایان دیگر که در کمیسیون نفت بودند میدانند که وضع را در ملی کردن صنعت نفت امضای من تغییر داد یعنی دو جبهه بود یک عده امضاء کرده بودند رویش فشار می آوردند یک عده هم امضاء کردند امضاء نیک کردند من که امضاء کردم هم

آیا بهتر نیست که یک دولتی بیاید که حتی جبهه ملی هم آن مبارزانی که سالها کرده بودند راجع باین نکند (آشتیانی زاده - صحیح است) و اظهار رضایتی بکند توافقی داشته باشد باهل و اولو اینکه کمکی هم بهش نکند که دولت موفق بشود آیا اگر این دولت رفت و دولت دیگری که منظور آقایان دیگر بود آمد آیا آن تشجیات، آن مبارزه ها تجدید نخواهد شد؟ و آیا پیش میبریم ماها؟ (دکتر جتهدی - پس زانی بدهد اقلیت بهتر است) بنده وکیل آنها نیستم عرض کنم این حرف را من زیاد میشنوم یعنی ممکن است اینطور نباشد من اینطور خیال میکنم که اشخاص کاندید هائی دارند، بنده بستمائی دارند حالا برای کسانی که بنده بستمی ندارند بوسائل تبلیغ متشبت میشوند یکی از وسائل تبلیغ این است که بگویند این دولت با اینکه باجبهه ملی ساخته است آنها چرا باو رأی نمیدهند؟ کسانی که کاندید دارند بنده و بست دارند آنها حقشان است ولی کسانی که ندارند من از آنها تمجیب میکنم گول این تبلیغات را میخورند برای اینکه کلا سرشان مبرود باید بنده بستمشان را کرده باشند و اطمینان هم پیدا کرده باشند چون غالبش هم بنده دروغ در می آید اگر ندارند با دولتی بسازند که اصلاً اهل بند و بست نیست برای اینکه انداختن این دولت یعنی آوردن یکی دیگر این راهم حسابشان را بکنند. یک تذکری که میخواهم بآقای وزیر جنگ بدهم این است که مطابق تلگرافی که شیخ جابر اصولی کرده حتماً بغدوتان هم رسیده است معلوم میشود که در یک قسمت از پوشه یعنی در بخش کنگان که الان جنگ است بین خوانین و رؤسای آنجا اخنک و دهنو و یک قلمه دیگر معاصره است و از دو طرف جنگ و خونریزی است مثل قبل از ظهور اعلیحضرت پهلوی این را میخواستم بگویم که دولت چه اقدامی کرده برای خاموش کردن آن قضیه ای که بین مردم رخ داده است عرض دیگری هم ندارم

رئیس - آقای فرامرزی وقت شما تمام شد

فرامرزی - اجازه بفرمائید دو سه دقیقه دیگر حرف بزنم

رئیس - مذاکرات شما شریفین است آقای معذل هم می خواهند صحبت کنند (بعضی از نمایندگان - به فرمائید آقا) دقیقه دیگر بفرمائید

فرامرزی - عرض کنم که چند دفعه تکرار فرمودند که تنها اقلیت در این مجلس من هستم کاش اینطور بود ولی بطوری که من میبینم مجلسی که برزم آرا ۹۱ رأی داد مثل اینکه میخواهد آنگذر رأی به آقای علاه ندهد و این را من برای مجلس ننگ میدانم چرا برای اینکه ممکن است که مجلس بیک رئیس الوزرائی مثل رزم آرا عقیده و علاقه داشته باشد و صد رأی هم بدهد ولی اگر این رئیس الوزرای صدرایی کشته شد آنهم در مسجد و خانه خدا، آنهم سرختم یکی از علمای بزرگ، لااقل باید دو نفر برایش اشک بیفتانند ولی من فریاد خنده چیزی ندیدم این جا بعد از مرگ رزم آرا یکی از علمای روحانی در مجلس ختم او حاضر نشد و یک و احوط سرمبزرگ ترف، در تاریخ ایران این قضیه سابقه ندارد ۹۱ رأی باین آدم دادند و حالا به آقای علاه بنظر من اگر این رأی را ندهید همان تاریخ مجلس چهارم تکرار میشود باقی مستوفی رأی نداد و تمام این تاها چها که این جا بودند گریه کردند وقتی که مستوفی از این مجلس رفت بیرون و گفتند مرده باد این مجلس خراب سراسر این عمل عده ای را توقیف کردند عرض کنم بنده یک کلمه ای کمی بنیم اینجا زیاد تکرار میشود راجع باین است که دولت آقای علاه باجبهه ملی ساخته است (یکی از نمایندگان خیلی خوب کاری کرده) جبهه ملی البته پنج شش نفر آدم بیشتر نیست این جانشینان و آقایان بطاظر بیاروید که در خارج این چهار دیواری مجلس یک مردم و یک ملتی هستند من اگر آقای مکی آمد پشت این تریبون و بن مثل امانت کرد و من چیزی نگفتم خیلی رعایت او را نکرده ام فکر کرده ام که مردم پشت سر مردم خارج این جا پشت سر کی هستند عرض کنم که

(فقیر زاده - چسبندگی ندارد ایشان) اما چرا دلم نمیخواست که همکار معترم ما چنین صحبتی بکنند برای اینکه در بیانها دیده ام بسیاری از درختها را مردم به آن گفته بسته اند و این از دستبرد اشخاص مصون و محفوظ مانده است آن کسی که اول به آن پارچه بسته است نیت داشته که یک سر سایه ای برای مردم باقی بماند ولی دیگران از توجه عمومی ترسیدند و به آن دست نزده اند دوستان عزیز و همکاران معترم من در این باب سخن گفته اند و حق معنی را ادا کرده اند و من زیاد روی نمیکند ولی باید همه معتقد بشویم که آتهائی که مورد توجه هستند نباید مورد حمله واقع بشوند باید از خشم و غضب عمومی ترسید (صحیح است) بسیاری از مردم هستند که خودشان گناهی ندارند ولی آنها بعیرم حرمت اشخاصی تجاوز کرده اند که آنها مورد توجه عمومی هستند باید توجه داشته باشیم که بهمه نمیشود حمله کرد علاه مرد شریف و پاکدامن و از خانواده معترم و کسی است که هیچوقت گرد بدی نکشیده و مردم باو احترام میکنند ما باید در اطراف عملیات دولت او بعد از این سخن بگوئیم من کار ندارم که حالا افرادی را هم که جمع کرده مردمان شریفی هستند ولی در را بروی خودمان نمی بندیم و از فردا مواظب قدم هائی هستیم که بر میدارند اما بطور میشود این قسمت را زیر پا بگذاریم بر دی که اینهمه برای خودش محرومیت قائل شده تا شایسته این احترام بشود ماسخنی در اطرافش بگوئیم مگر مستوفی - الممالک مخالف نداشت ولی نشد که مستوفی الممالک بگویند دزد است (آشتیانی زاده - قیاس مع الفارغ است) حقایق را که نمیشود انکار کرد من هر قدر مخالف باشم اگر خدای نکرده با آقای جمال امامی مخالف باشم میتوانم بگویم قدش کوتاه است؟ مگر کسی توانست بگوید که و توفیق الدوله نالایق است حقایق را که نمیشود انکار کرد مثل آفتاب میده رخشد و از آن گذشته نقش کشور ما این است که رجال کم دارد وقتی سخن از مملکت میگوئید بنده درشت و کوه و صحرا که اطلاق نمیشود بر رجال آن مملکت اطلاق می شود و ما متأسفانه رجال کم داریم و باید از زیننده نیست که آتهائی را که داریم و باطهارت و پاکدامنی گذرانده اند آنها را آلوده کنیم این حرفها که پشت این تریبون گفته میشود در را بدو گفته میشود روزنامه ها نوشته می شود اطفال ما آنها را در مدارس می شنوند و می فهمند اینها درسی است برای آنها اگر خدای نکرده در این مملکت شهرت یافت که زشت و زبیا با هم یکی است و اگر فهمیدند که خوب بدبکیان است مگر مردم دیوانه اند که گرد طهارت بگردند و بنا کامی بگذرانند (صحیح است) من دیگر بیش از این در این باب عرض نمیکنم و این حق را برای خودمان محفوظ می داریم که کوچکترین قدمی که این دولت و یادولتها برخلاف درستی و پاکدامنی برخلاف وطن پرستی بردارند، آنها اعتراض کنیم انتقاد کنیم من ضمه ندیدم که جناب عالی جرات کردید که نامی هم از جبهه ملی ببرید جبهه ملی هر چه بوده بود ولی مگر این مطلب نبود که من و خود شما بدنبال آنها رفتیم و رأی دادیم اینها مظهر امروزی این تریبون هستند بطور جرات میکنند مگر چه ملی را آرزو من و شما بدنبال آنها نرفتیم و رأی ندادیم؟ بطور امروز در گذشته ما و مساجد بنام محمد صلوات میفرستند برای این است که مظهر یک عقیده ای بود برای اینکه توحید را انشاء کرد اینها آمده اند

رئیس - آقای معذل تمام شد

رئیس - چشم اطاعت میکنم توجه دیگر دولت را هم بنا بر وظیفه نمایندگی از مردم فارس باین ایالت معروض میکنم و او ایجاد راهی از شیراز بخلیج فارس و ارتباط این منطقه برای اینکه در یک بلای اقتصادی بزرگ برادران ما بسوزند همه آقایان باید با کمک کنید حمایت کنید اعتبارش را تصویب کردید به همه ماحق دارید ولی از دولت میخواهیم که این راه را باز کند و اولین قدم را در این راه بردارد و متوجه باشید که برادران فارسی شما کسانی هستند که در اولین مرتبه هدایت میکنند از هرا اتفاقی که در این مملکت واقع میشود (صحیح است) اما مورد دیگری که من توجه دولت را جلب میکنم موضوع دیوان محاسبات است. آقایان وضع اقتصادی مملکت ما خراب است، خراب است، خراب است هر نقشه ای بخواهید بکشید اگر پول نباشد سرمایه و اعتبار نباشد عملی نیست و این کار نمیشود مگر این که اختیارات دیوان محاسبات را بصورت اول بر گردانید یعنی هر خرجی که میخواهید بکنید اول آنجا تسجیل شود یعنی ببینید که اعتباری وجود دارد یا ندارد و وقتی آن اعتبار تصویب شد آن خرج بشود باید دیوان محاسبات آخر هر سال تفریح بود چه نه کند و تصدیق کنید یک ورشکسته یک مملکت ورشکسته یک خانواده ورشکسته یک فرد ورشکسته استقلال ندارد ما باید از این خرج های بیهوده جلوگیری کنیم از این افراط و تفریط ها جلوگیری کنیم تا برای پول دستان بطرف بیگانه و کبیانی و غیره دراز نشود اول کاری که دولت میکند و اول حسن نیتی که بخرج میدهد باید این باشد که دیوان محاسبات را بصورت اصلی در بیارود

(۳) - بیان آقایان مکی و آشتیانی زاده بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه

رئیس - آقای مکی از ماده ۹۰ می خواهند

یک تری آورده اند که من و شامام به آن معتقد هستیم بطور جرات میکنم که بدکتر مصدق بد بگوئید (آشتیانی زاده - کسی بدنگت) بطور امروز میتوانیم بجبهه ملی سخن نا شایسته ادا کنیم من امیدوارم که همه هم را معترم بداریم ما باید رجال خود را هم معترم بداریم اینها برای روز فردا نگاهداریم که مملکت محتاج برادران لایق و پاکدامن است (احسن) بنده موردی را هم میخواستم عرض کنم راجع بصفحه جنوب و از شما نمایندگان استماع کنم که در این باب بدوستان جنوبی خودتان بیشتر توجه کنید. آقایان ملخ تمام جنوب ایران را فرا گرفته و اگر قضیه نفت نبود اگر این اتفاقات واقع نشده بود توجه شما در درجه اول به بدبختی برادران آرمای و خوزستان و فارس بودن از پیشگاه اعلیحضرت همایونی تشکر میکنم که اوامر موکدی به ارتش صادر فرمودند و کمک ذی قیمتی کردند دولت هم با گرفتاریهای بزرگی که داشت در این باب قدمهای مهمی برداشته از دولت میخواستم که در اینجا در اولین فرصت توضیحات زیادی بدهد تا انفسکار نمایندگان و مردم متوجه باین موضوع بشود و باز هم تقاضا و تمنی میکنم که اگر از شما کمک مالی میخواهند بدهید و اساساً توجه خود شما و توجه ایران بر مردم جنوب خودش مؤثر است در دفع این بلای بزرگ و خطر عظیم.

رئیس - آقای معذل تمام شد

رئیس - چشم اطاعت میکنم توجه دیگر دولت را هم بنا بر وظیفه نمایندگی از مردم فارس باین ایالت معروض میکنم و او ایجاد راهی از شیراز بخلیج فارس و ارتباط این منطقه برای اینکه در یک بلای اقتصادی بزرگ برادران ما بسوزند همه آقایان باید با کمک کنید حمایت کنید اعتبارش را تصویب کردید به همه ماحق دارید ولی از دولت میخواهیم که این راه را باز کند و اولین قدم را در این راه بردارد و متوجه باشید که برادران فارسی شما کسانی هستند که در اولین مرتبه هدایت میکنند از هرا اتفاقی که در این مملکت واقع میشود (صحیح است) اما مورد دیگری که من توجه دولت را جلب میکنم موضوع دیوان محاسبات است. آقایان وضع اقتصادی مملکت ما خراب است، خراب است، خراب است هر نقشه ای بخواهید بکشید اگر پول نباشد سرمایه و اعتبار نباشد عملی نیست و این کار نمیشود مگر این که اختیارات دیوان محاسبات را بصورت اول بر گردانید یعنی هر خرجی که میخواهید بکنید اول آنجا تسجیل شود یعنی ببینید که اعتباری وجود دارد یا ندارد و وقتی آن اعتبار تصویب شد آن خرج بشود باید دیوان محاسبات آخر هر سال تفریح بود چه نه کند و تصدیق کنید یک ورشکسته یک مملکت ورشکسته یک خانواده ورشکسته یک فرد ورشکسته استقلال ندارد ما باید از این خرج های بیهوده جلوگیری کنیم از این افراط و تفریط ها جلوگیری کنیم تا برای پول دستان بطرف بیگانه و کبیانی و غیره دراز نشود اول کاری که دولت میکند و اول حسن نیتی که بخرج میدهد باید این باشد که دیوان محاسبات را بصورت اصلی در بیارود

(۳) - بیان آقایان مکی و آشتیانی زاده بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه

رئیس - آقای مکی از ماده ۹۰ می خواهند

استفاده کنند و در جلسه قبل اجازه خواسته بودند

**مکی** - شاید همکاران محترم در این دوسه جلسه اخیر به سر حیات آقای آشتیانی زاده پی برده باشند و اگر پی نبرده باشند بنده عرض میکنم آقای آشتیانی زاده تصور میکنم که جبهه ملی با حیات ایشان هصبانی میشود و همانطوریکه برای کابینه رزم آرا توب و تفنگ میکشد و مبارزه میکند با کابینه ملام هم همان صور خواهد کرد خیر آن روزی که ما با کابینه رزم آرا مخالفت میکردیم اواخر دوره یازدهم برای روی کار آمدن دست و پا میشد و همکار عزیز و ارجمند دکتر بقائی (نورالدین امامی - ارجمند افتاد توی چاه) (خنده نمایندگان) سر شما سلامت آقای امامی از پشت تریبون با ملت ایران صحبت کرد و مخالفت می کردیم با عملیات آن شخص بر فرد فرد ملت ایران پوشیده نبود، جبهه ملی نمیتواند بر خلاف افکار عمومی و برخلاف اراده ملت ایران قدم بردارد زیرا ماهیچ سرمایه ای نداریم جز محبت و عواطف ملت ایران و این سرمایه را هم حاضر نیستیم بدو حمله آقای آشتیانی زاده یا امثال ایشان (حاذقی - آقای آشتیانی زاده امثال ندارد) برای آنکه از دست بدهیم ما این سرمایه را در اثر فداکاریهای زیاد زندان رفتن تبعید شدن بدست آورده ایم و اگر ۲۴ ساعت دیرتر دست از غیب بیرون نمی آمد و اینطور نمیشد ما امروز نبودیم و شاید خیلی از رجال این مملکت امروز هفت کفن پوسانده بودند ما با آن همه فداکاری و از خود گذشتگی این سرمایه بزرگ ملی را تحصیل کردیم و حاضر نیستیم کوچکترین چک حتی چک صد دیناری از این سرمایه خرج کنیم و این سرمایه را داریم و برای احیاء و آبادی این مملکت می خواهیم مصرف کنیم هر روزی لازم شد از جانمان می گذریم با کفن خونین بپاک برویم ولی حاضر نیستیم این سرمایه را بخت و رایگان از دست بدهیم و هیچوقت هم چه دولت آقای ملام و چه اردویتی، شدیدترین دولتها دولت آقای ساعد بود که آن سر تپ صفاری آمد چه طور صندوق هارا عوض کرد و با آن دکتر اقبال با ما چه جور مبارزه کرد ولی وقتی که اراده ملت ایران تعلق گرفت ما انتصاب شدیم برای مبادولت ملام و دولت ساعد از لحاظ انتصابات تهران برای این هفت و هشت نفر تأثیری ندارد زیرا اگر پشتیبانان مردمند انتصاب خواهیم شد و اگر پشتیبانان مردم نباشند ما فقط هزار و صد تومان از لحاظ حقوقی ضرر کرده ایم زیرا ما رئیس ماله ای نداریم که مایه هفتصد تومان بگیریم یا از فلان رئیس شهرداری مایه پانصد تومان بگیریم ما اینها را نداریم این پرونده ما را نداریم می دانیم برای ما فقط هزار و صد تومان ضرر حقوقی است جانان را سلامت برداشتم و رفیق بیرون سرمایه و آبروی ما محفوظ است و بیش خدا و خلق هم و سفید هستیم

آقای آشتیانی زاده منظورشان این است که ما توب و تفنگ میکشیم و با کابینه ای مثل کابینه آقای ملام که جواب یادداشت انگلیس را با آن شدت داده است مبارزه کنیم که در خارج بگویند پس جبهه ملی نسوکر انگلستان بوده و بدستورانگلیستان برای این یادداشت با کابینه ملام مخالفت میکنند ما از نظر اصولی روز اول گفتیم آقای ملام چون برخلاف سنن پارلمانی به مجلس آمده در جلسه خصوصی عرض کردم با این

کابینه نمی توانیم اصولا موافق باشیم ولی طبق سیره کابینه منصور را همکام چنانچه لوایح مفیدی بیآورند برای خواهم داد و بالوایح مفرشان مخالفت خواهیم کرد و هر گاه به بنییم از اصول دموکراسی و قانون اساسی میخوانند منصرف شوند تا آخرین قوا با ایشان می جنگیم و کارت نبود ایشان میدهم منتهی آن روزی که ما با کابینه رزم آرا با آن شدن عمل میکردیم آقای آشتیانی زاده ساکت بودند و هر شب با ایشان طرف مشورت بودند ما پیش بینی می کردیم که حیات مملکت ما مورد تهدید است برای این مبارزه می کردیم که می دانستیم رزرها می آید پشت تریبون و میگوید که ملت ایران اعتماد اولهنگ سازی را هم ندارد میاید با اعتماد و هوش و ولایت ملت ایران توهین می کند می دانستیم که اگر رزم آرا بماند قانون حکومت قدرتی می آورد میدانستیم که استان های مملکت تجزیه میشود چون میدانستیم و پیش بینی می کردیم و ملام آقایان یک یک به شان ثابت شد که آن همه مایه گفتیم درست در آمد و از ساحت اول هم رزم آرا را کوبیدیم و وقتی که او را دیگر سرای را پیش گرفت سکوت کردیم و گفتیم ما با مرده جنگ نداریم و به به یه لوایح مرده چوب نیز نیم ولی امروز کسانی که آن روز جزو دوستان او بودند و امروز نمی دانم چه عرض کنم برای کسب و جاهت. (آشتیانی زاده - وجاهت مال خودتان خواهد بود در اجاره شما باشد درست در اجاره جناب عالی) برای کسب و جاهت میگویند که طور قدر قوام السلطنه بودی. آقای آشتیانی زاده بیجبهه ملی و افراد خارج از مجلس جبهه ملی حمله کردند بد کتر فاطمی حمله کردند که ایشان در دوره چهاردهم آن عقیده را داشتند و در دوره یازدهم عقیده شان چطور شد دوره شانزدهم چطور شد بنده عرض میکنم که این امضای خود آقای آشتیانی زاده است که قسم خورده است با ما این را میخوانم بسم الله الرحمن الرحیم. امضاء کنندگان ذیل بمنظور حفظ دموکراسی و قانون اساسی و دفاع از مشروطیت متعهد میشویم که بالاتفاق با یکدیگر شرافتمندانه همکاری کرده و مرا کسبونی بنام آزادی به همین منظور تشکیل دهیم بدیهی است که در تمام موارد اقلیت فرا کسیون تابع اکثریت خواهد بود مگر در مواردی که بموجب تصمیم قبلی فرا کسیون اعضای خود را آزاد گذاشته باشد کلیه کارهایی که در مجلس باید انجام گیرد لازم است قبلا با اطلاع فرا کسیون برسد. بهرحال خداوند را شاهد و ناظر اصل او رفتار خود قرار میدهم همیشه نسبت بیکدیگر صداقت و امانت را مراعات و از هر نوع فداکاری نسبت بیکدیگر مضایقه نمائیم. این تمهیدنامه انشاء الله تا آخر دوره یازدهم برقرار خواهد بود ۳۱-۵-۲۷. هجرتی در آزاد، حائری زاده. حسین مکی. آشتیانی زاده. ماههز نفر این اتعداد داشتیم و متعهد شده بودیم که بر خلاف قانون اساسی و مشروطیت قدمی برنداریم ولی ایشان رفتند برخلاف اصلی که در فرا کسیون بود جزو مجلس مؤسسان شدند رأی هم دادند ما هم بزندان رفیقیم و به بدبجای ایشان دکتر بقائی تا آخر دوره یازدهم با ما آمد این خط ایشان است امضاء ایشان است آنوقت یک چنین کسی نسبت میدهد به آقای دکتر حسین فاطمی که مسلماً مقالات دکتر حسین فاطمی برای ملی کردن

صنعت نفت و دفاع از آزادی باندازه چند سیاه باین مملکت خدمت کرده است (صحیح است) و البته من تقدیر میکنم غالب جراید و نویسندگان آزاد آیین مملکت را کفلهای رشید و حساس آنها افکار عمومی مملکت را باز کرد جادار که از همه آنها تشکر کرد ولی در رأس آنها و فرمانده سیاه آنها دکتر حسین فاطمی بود (صحیح است) و او بود که افکار عمومی را روشن کرد که ملت ایران چرا صنعت نفت را در ایران ملی میکند و حال آنکه یک چنین نسبتی را باو دادن خلاف انصاف است و آننگهی از روزی که جبهه ملی تشکیل شد تا امروز خدا را شاهد میگیرم که صمیمی ترین فرد جبهه ملی دکتر حسین فاطمی بود که بدون چون و چرا آنچه را جبهه ملی بساز گفته است تاکنون بوقوع اجرا گذاشته است حال اگر در دوره چهاردهم یا آن تاریخی که ایشان می گویند در سال ۱۳۳۴ که دکتر فاطمی در اروپا بوده است بفرض هم که در ایران بوده یک مقاله ای را برادر ایشان نوشته است باید بحساب دکتر حسین فاطمی گذاشت یا میگویند چرا ارسلان خلیعت بری رفته شهردار تهران شده (آشتیانی زاده - کی چه حرفی زد) ارسلان خلیعت بری از شخصیت های ازل حقوقی این مملکت است بشهادت رائی که

کانون و کلای دادگستری ایران داده است او چندین دوره است که نایب رئیس کانون و کلا است و رئیس کانون هم که وزیر دادگستری است او چند دوره است که نایب رئیس کانون و کلای دادگستری ایران است افتخار قضائی این مملکت است در دوره زندگی و کالتش جز شرافت و حقیقت دوستی چیزی ندارد (صحیح است) اگر او شهردار تهران نشود پس آقای آشتیانی زاده کاندید شما کیست (آشتیانی زاده - آقای ارسلان خلیعتی) اگر باین وسائل میخواستید توهین کنید که فایده ای ندارد رزم آرا نو را برای وزارت دادگستری دعوت کرد آورد کرد او اگر جاه طلب بود وزارت دادگستری او را قبول می کرد (صدرزاده - تقاضائی که برای تشکیل انجمن شهر کرده دلیل شرافت و درستی او است) (صحیح است) اما وزیرانی را که نسبت بجبهه ملی میدهند بنده باید روشن کنم که شخص آقای ملام با جبهه ملی فقط راجع بیک وزیر صحبت کرد و آنهم آقای صالح بود و ما با تمام قوا در جبهه ملی با این فکر متحد و متفق شدیم خاصه که خود آقای صالح هم ز برابر نفرینند می گفتند من از طرف مردم کاشان برای و کالای مجلس انتخاب شدم نمی خواهم رأی مردم را بهوا و همداراده باشم و نگویند وزارت را برای مردم ترجیح دادم من تا و یکم در مجلس خواهم بود (صالح - صحیح است) وجهه ملی کاندیدی بایشان نداد و کاندیدی هم از طرف جبهه ملی آقای ملام ندارد و اگر یک چنین چیزی را کسی بخواهد از طرف جبهه ملی بگوید بنده جدا و قویا تکذیب می کنم حالا شخصیت آقای امیرعلائی که وزیر دادگستری هستند و در درستی و یا کی ایشان حرفی نیست و با بودزی مثالی هزار تومان تفاوت قیمت دارد و در زن گیش نقاط ضمنی ندارد چون عضو جبهه ملی است گناه است ایشان هم بدون مراجعه بجبهه ملی خواسته اند از شخصیت های خارج از محیط مجلس یک افرادی را بیآورند اگر رفته اند آقای امیرعلائی و دعوت کرده اند این جرم جبهه ملی است و وانگهی

مغزرت می خواهم مگر جبهه ملی دختر کورم معرفی کرده یک فرد شایسته و برجسته و یک مردم شایسته ای را نشان داده دیگر از جبهه ملی در کابینه ای که ایشان بنام جبهه ملی می نامند چه کسی است (آشتیانی زاده - آقای ارفع) آقای ارفع بجبهه ملی ارتباط ندارد آقای ارفع اگر خودش شخصیتی داشته است در کابینه آمده اند و با سابق پدرشان با پدر آقای علاء که ملام السلطنه بوده است اگر سابق و ارتباط خانوادگی را بحساب جبهه ملی بیآورند اینها بی طعنی است و همه کس میدانند که آقای سر لشکر ارفع مدتها رئیس ستاد ارتش ایران بوده اند با جبهه ملی ارتباط ندارند (امامی امری - برای خدمتشان با آنرا با جبهه ملی میگویند) وهم خواستم عرض کنم شما که اطلاع دارید بفرمائید جبهه ملی تمام افرادش هجده نفر هستند که هشت نفر شان در مجلس است چند نفر روزنامه نویس هستند و چند نفر هم امثال آقای امیرعلائی و ارسلان خلیعتی هستند که هیچکدامشان امیبسیون و نماینده ندارند که بخواهند با زور خودشان را بیک کابینه ای تحمیل کنند (اسلامی - آقای سر لشکر ارفع ما ز ندران راه نجات دادند بنده ممکن است در جلسه خصوصی برای آقایان تشریح کنم) اما شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

اگر آقای آشتیانی زاده بجبهه ملی حمله بکنند قدر و قیمت جبهه ملی کاسته نمیشود قدر و قیمت موقعی کاسته میشود که منشا خیانت و مصدر خیانتی واقع بشود مادامی که جبهه ملی تبعیت از افکار عمومی میکند مطمئن باشید آنکس که زشر آشتیانی است داند که متاع ما کجائی است ما میدانیم که تا چه حدود میتوانیم با هردولتی موافقت یا مخالفت بکنیم ما اگر باین دولت آتاک نمی کنیم برای این است که میخوانیم مصدر سیاست شرکت نفت واقع نشویم برای جواب یادداشتی که دولت آقای ملام داده اند ولی ما از روز اول گفتیم باین کابینه ای که برخلاف سنن پارلمانی آمده است موافق نیستیم

بنده این را عرض کردم قبل از اینکه ایشان کابینه شان را تشکیل بدهند حلاهم بهمان عقیده ای که در جلسه خصوصی عرض کردم و در روزنامه ها عقیده بنده بنمون جبهه ملی منتشر شده است بهمان عقیده باقی هستیم و اما عقیده آقای آشتیانی زاده راجع به همکاری بنده با آقای قوام السلطنه مدینه گفتی و کردی کیابیم. مارشال پتن همی به مملکت فرانسه خدمت کرد ولی وقتی که اوضاع برگشت ملت فرانسه او را باین جرم محاکمه کردند که شاید امروز و فردا باین جرم در زندان ببرد و حالش خیلی بد است یک نفر فرانسوی هیچوقت حاضر نخواهد شد یکی از رجالش که بنام زمامدار در زاس ملت او قرار گرفته برود با دشمن فرانسه معامله بیند برود با دشمن فرانسه کار بکنند او محکوم باعدام است منتهی سن او تعقیف ذر کارش داده

بنده خودم وقتی عضو کمیسیون هرایش بودم منبر کمیسیون هرایش بودم آن پرونده بان فطوری را مشاهده کردم و چند پرونده دیگر را. بقول آقای حسن اگر که نمایان اینجا تشریح دادند یا خیر؟

(حسن اکبر - اینجا هستم) با آن قضیه هشتصد هزار تومان و دو صورت حساب باز کردن در بانک شاهی را دیدیم اگر واقعا بنده و کل مردم و ملت باشم و اگر وجدان و حافظه و شرافتی در بنده باشد آیا سزاوار است که باز بچنین کابینه ای بیایم و رأی بدهم که مردم را بیابند و غارت بکنند ممکن است که بنده روز اول اشتباه کرده باشم حر راجح هم رفت سر راه حضرت سیدالشهدا را گرفت اینکه جرم من نیست روز اول هم شاید بنده اشتباه کرده باشم شاید بنده خطا کرده باشم که چرا رفته ام با آقای قوام السلطنه همکاری کرده ام ولی چه کاری کرده ام و چه خیانتی کرده ام یک سیاست خانمان بر اندازی آنروز در اینجا توسعه پیدا میکرد هستی و استقلال این مملکت را بیامیداد بنده رفتم در ملایر آقای ملک مدنی مشاهده کردند که من چه کردم

شما میدانید که بنده با حزب توده در ملایر و اراک و کرمانشاه چه کردم این خدمت بود یا خیانت بود که کردم؟ (ملک مدنی - خدمت کردید) اما در شهرداری آن روزیکه من معاون شهرداری شدم شما مدیر کل شهرداری بودید آقای آشتیانی زاده و بنده هم در شهرداری بودم شما آنروز بامن هم قسم بودید که هر گاه بخواهند در شهرداری فلان بکنند ما کنار بیاییم مگر شما آنوقت مدیر کل نبودید چرا ساعتی که من استعفا کردم شما نکردید چون من هلاکای باین یست نداشتم بنده خدمت بملکت را میخوانم بنده سه ماه معاون شهرداری بودم وقتی که دیدم نمیتوانم اول کردم و مدتها بیکار بودم بعد حزب دمکرات درست شد بلازم بنده عضو وزارت راه بودم وقتی که رفتم بشهرداری باوزارت کار بعنوان مدیر کلی با حفظ سمت رفته است و حقوق من در وزارت راه کمتر از مدیر کلی نبود برای بنده حقوق اضافه تر نبود و افتخاری نداشتم که بروم در وزارت کار یا شهرداری در وزارت کار اگر صدینار استفاده کرده ام بگوئید چیزی که من سوءاستفاده کرده ام چیست؟

**رئیس** - آقای مکی خیلی از وقت شما میگذرد

**مکی** - بنده برای آخرین مرتبه عرض میکنم که جبهه ملی با کابینه آقای ملام توب و تفنگی ندارد بکشد روش همان است که قبلا عرض کردم و آن کسانی که تصور میکنند با این فکرها میتوانند امثال قوام السلطنه را بیآورند ما برابر شدید تر و بدتر از آنچه که بارز و آرامیل کردیم با امثال آقای قوام السلطنه هم عمل خواهیم کرد

**نمایندگان** - دستور دستور

**رئیس** - آقای آشتیانی زاده هم طبق ماده ۹۰ اجازه میخوانند

**بعضی از نمایندگان** - این دور تسلسل پیدا میشود آقا

**رئیس** - آقایان با نطق قبل از دستور موافقت میکنند وقت دستور از موعده مقرر میگذرد

**نورالدین امامی** - اگر بنا باشد که قبل از دستور صحبت شود دو ساعت دیگر صحبت میشود

**رئیس** - آقای آشتیانی زاده بفرمائید

**آشتیانی زاده** - العربا و لها کلام اما جناب آقای مکی بنده بجبهه ملی آن تاکی نکردم بد نگفتم و بعنوان یک وکیل این انتقادی که در مجلس شد مطرح میکنم بعنوان یک نفر موکل آقایان بنده یک مطالبی را این جا مطرح کردم و چون جناب عالی در مذاکرات خودتان وارد امور شخصی و شخصیت ندید بنده لدی الاجبار باید دفاع کنم ولی بنده از خود مطالبی نمیگویم (حاذقی - مطالب کلی بفرمائید جای مطالب شخصی نیست) عرض کنم این که فرمودید بنده نسبت هائی میدهند تمام اهل این مملکت فامیل بنده و بنده را میشناسند جناب عالی و فامیلتان را هم میشناسند وضع زندگی من معلوم است و واضح است که چه بوده ام و چه هستم وضع زندگی جناب عالی هم معلوم است شما در پنج شش سال پیش پول تا کسی نداشتید سوار بشوید الان جناب عالی یک اتومبیل سواری آخزین سیستم ماشین زیر پای تان است این را از کجا آوردید؟

**مکی** - یک کتورات از روسها قبول کردم و پولش را گرفتم رفتم یک تا کسی خریدم

**جمال امامی** - آقای آشتیانی زاده این چیزها را اینجا مطرح نفرمائید

**آشتیانی زاده** - چشم اطاعت میکنم اما راجع به این که به بنده ایراد کردید که بنده یک آدم عهد شکنی هستم و نقض عهد می کنم و چندین مرتبه قسم خورده ام با جناب عالی و قسم میکنم من این آقای حائری زاده را سی سال است با ایشان ارادت دارم و با این مرد دوستی دارم و شخص مبارز و سیاستمدار و وطن پرستی میدانم بشهادت میطلبم این مرد را روزی که ما خواستیم فرا کسیون را در دوره یازدهم تشکیل بدهیم و این امضاء را کردیم بنا بود که آقای رحیمیان و آقای گلبدادی و آقای اسکندی هم در این فرا کسیون وارد شوند و آنها وارد نشدند و بعد من آمدم از جناب آقای حائری زاده و از خود جناب آقا در اطاق اقلیت فعلی تقاضا کردم که این موضوع ازین برود آقایان هم اجازه فرمودید که بشکنم این عهد را پیش از این من مرضی ندارم غیر از این بود آقای حائری زاده؟ (حائری زاده صحیح است) (مکی - آقای حائری زاده اینطور نبود) (حائری زاده - اینطور بود) این حائری زاده مردیست محترم و دروغ نمیگوید اما راجع بقوام السلطنه و مارشال پتن و مقایسه آنها و اینکه آقایان هر چه خواستند حرف میزنند و هر مطلبی اینجا طرح میشود در وی قوام السلطنه متوقف میشود این را بنده روز اول عرض کردم و باز هم عرض می کنم که مطلقا بنده طرفدار قوام السلطنه نیستم ولی مردی نیستم که مثل بعضی ها از پشت بقوام السلطنه خنجر بزنم بیکروز هم شاه از من پرسید که تو راجع بقوام السلطنه عقیده ات چیست گفتیم که من معالاست از اهلام جرم قوام السلطنه کسک بکنم با تمام قوا مبارزه می کنم و از اودفاع می کنم جناب عالی نسبت بن من مشتبه هستید خلاف واقع است باز هم عرض می کنم که بنده طرفدار قوام السلطنه نیستم و اگر یک روزی هم بنا بشود که قوام السلطنه سر کار بیاید شاه و مجلس باید او را سر کار بیآورند پس این موضوع را هم استعدا میکنم دیگر مطرح نکنید موضوع قوام در بین نیست و من مدافع او نیستم راجع بقوام السلطنه با مارشال پتن قضایاتی که ملت

فرانسه دوباره مارشال پتی می کند و ملت ایران باید درباره قوام السلطنه بکند این قیاس مع الفارق است جناب آقای مکی موقی که با قوام السلطنه همکاری می فرمودید این موارد خیانت و دزدی و ارتشا و جواز این موارد آن وقت بود ( مکی - هیچکس اطلاع نداشت ) جنابالی رئیس تلبقات حزب دمکرات ایران بودید من و شما ده دفعه با هم واجع باطرافیان قوام السلطنه کرتیک میکردیم بود یا نبود ؟ حش بود که با همدیگر قیام میکردیم چنانکه بنده شهادت خود شا و آقای حائریزاده و کلای دیگر مثل همین آقای ارباب و آقای نبوی در جلسه حزب دمکرات ایران در اولین جلسه فرا کسیون اول کسی که قوام السلطنه تانک کرد بنده بودم آقایان غیر از این است ؟ ( صحیح است ) حش بود که آقایام در همان موقع قوام السلطنه حمله میکردید نه اینکه بعد از اینکه آمدید البته با رأی اعتماد مردم و با رأی ملت و منهم از آن افراد ملت هستیم که بشما رأی دادم آقای حائری زاده میدانند و خود آقای دکتر مصدق میدانند که من در انتخابات تهران اهلی درجه کمک را با آقایان کردم ( جمال امامی - دلیل بی ذوقی تان است ) پس این انتقاداتی که من از آقایان می سکنت بعنوان یک وکیل مجلس و یا بعنوان طرفدار یک جبهه و یا یک دولتی که در حال تکوین است یا میخواهد بیاید نیست از این نظر که ما این قدر زحمت کشیدیم مردم این ملک این قدر زحمت کشیدند ، این همه فداکاری کردند مبارزه کردند آمدند یک مشت وکیل ملی انتحاب کردند هنوز آن دولتی که هدف اینها بود ساقط نغده است. هنوز کفن آن رئیس دولت مقتول خشک نشده است آقایان آمدند با چهار پنج تا وزیر ساخت و پاخت کردند از زیر دولت آوردند و آن آمال و آرزوهائی که بود نسبت باین ها ازین رفتدر ضمن بادولت این طور قرار گذاشتند که ما در ظاهر برای حفظ وجهه مان موافقت نیکینم و کمک نیکینم اما در باطن باشما هستیم ، بنده که آقای مکی عرض نکردم آقای ارسلان خلعتیری مرد بدی است مرد فوق العاده خوب و نجیب و فاضلی است اما میگویم شما که ایشان را آوردید شهردار کردید میخواهید انتحابات تهران را هم اداره کنید میخواهید با این دولت انتخابات سایر جاهارا هم اداره بکنید پس بلند شوید ملنا و رسماً ورقه سفید خودتان را بدهید و از دولت حمایت کنید بنده عرض نکردم آقایان بدهند . آقای ارفع من گفتم که شما بدهید ؟ بفرمائید مگر شما بد هستید ؟ همه آقایان خوبند اصلا در این منلک ما این وزرائی که می آیند و میروند همه خوبند همه شیرین زبان و تنک دمان ، مردم بدند مردم غلطکارند والا هیئت حا که که میی ندارند من نمی خواهم شما آقای مکی با هیئت حا که شریک شوید نه من بلکه ملت ایران نمیخواهد ما پیشواهم را شما از هیئت حا که فاصله داشته باشید و این فاصله همچنین باشد تا آنجا که بایک تشکیلات حزبی منظم بایکد کترین معنی حکومت را در دست داشته اقلیت باید این قدر مقاومت و مبارزه بکند تا خودش دولت را بوسیله انتخابات پارلمالی تشکیل بدهد اگر کسی باین ترتیب و باین مقدمات متشکل و مؤسس یک اقلیت است باین همه زحمت

مبایه دربارلمان محتاج نیست پارلمانرا اشغال بکند در روز اول فرصت از زیر ساخت و پاخت بکنند ( آزاد - خلاف حقیقت است این طور نیست آقا ) من شا را مرض نیکینم شمارا کنار گذاشته اند اگر شاهم بودید آقای دکتر آل بویه لابد معاون نخست وزیر بود ( خنده نمایندگان ) تو کنار هستی من میدانم که تو کنار هستی ، پس میدانید آقای مکی من بیقین بشما با تمام فحش هائی که بین دادید ارادت دارم همین طور نسبت بسایر آقایان ارادت دارم این آقایان تریمان که من بایشان ارادت دارم مرد معترمی میدانم آقای دکتر مصدق را احترام میکنم و حائری زاده را مرید هستم اما بیایید همت کنید و ول کنید این دولت را خودتان باید دولت را تشکیل بدهید ول کنید آقا ، این جور ساخت و پاخت کردن موجب سستی عقیده مردم می شود و مردم دیگر دنبال ساختن این بها نمیروند و آن وقت باز دیکتاتور در این مملکت درست میشود مردم می گویند هر کسی را که رفتیم بیآوریم اما نیامد آن وظیفه اینکه خدا و وجدان برایشان تعیین کرده بود تعقیبش نکردند و مارا فروختند با ساخت و پاخت چهار تا وزیر این صلاح مملکت نیست ، صلاح پارلمان نیست صلاح ملت نیست صلاح مشروطیت و قوه مقننه نیست و صلاح خودتان هم نیست عرض دیگری بنده ندارم

**نمایندگان - دستور دستور**

( ۴ - بقیه مذاکره در برنامه دولت آقای علاء نخست وزیر )

**رئیس -** اگر اجازه بدهید بعد از دو ساعت و ربع وارد دستور شویم بنده می خواهم با اطلاع آقایان برسانم که روز سه شنبه صبح ورقه نطق قبل از دستور نگذارند .

**غلامرضا فولادوند -** این حق نمایندگان است چرا نگذارند

**رئیس -** بسیار خوب بشرطی که از آئین نامه تجاوز نکنند ساعت وقت دارند آقایان برای نطق قبل از دستور

**صفائی -** این را آقا نباید بگذارید تجاوز بکنند .

**غلامرضا فولادوند -** اگر مجلس بخواهد باید رأی بدهد آئین نامه قانونی است

**رئیس -** آقایان رأی میدهند که صحبت شود آقایان موافق هستند

**دکتر جلالی -** در هر حال اگر بخواهید نگذارید باید رأی گرفته شود

**رئیس -** باید مطابق آئین نامه باشد و از آئین نامه نباید تجاوز بکنند حتی بکند قیقه هم موافقت نمی کند رأی هم بخواهید بدهید مطابق آئین نامه رأی را قبول میکنم آقایان تریمان بفرمائید

**فریمان -** بزرگترین و مهمترین دلیل مخالفت من بادولت جناب آقای علاء باینکه اشخاص خوش نام در این کابینه زیاد شرکت دارند اینست که ایشان برخلاف روح و مفاد و اصول قانون اساسی و مشروطیت یعنی بدون رعایت سابقه دیرینه و سنت تاریخی رأی تاویل آزاد مجلس شورای ملی سر کار آمده اند و در واقع ایشان نخست وزیری هستند که از طرف اعلی حضرت شاه بر گرفته شده اند نه مجلس شورای ملی و این برخلاف

اصول مشروطیت و حکومت مردم بر مردم است و من از این جهت ایشان را یک نخست وزیر مملکت مشروطه نمیتوانم بشناسم . این مطلب بقدری بارز و هویداست که خود جناب آقای علاء هم در صدر خطاب و برنامه خودشان مینویسید چون بفرمان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مأموریت تشکیل دولت بانجناب محمول گردید ( ... ) فرداً فرد ما در این مکان مقدس سوگند یاد کرده ایم که حقوق مجلس و مجلسیان را حفظ کنیم تمییز و انتخاب نخست وزیر از حقوق مسلم مجلس شورای ملی است و من نمیتوانم باینکار تن دردم که این حق از مجلس سلب گردد و باین جهت از پشت این تریبون به آواز بلند بر علیه این رویه شدیداً اعتراض میکنم

روی همین اصل هم بود که وقتی راجع به نخست وزیری جناب آقای علاء بان کیفیت در تالار مجلس اخذ رأی بعمل آمد من و رفقای فرانسویون وطن در رأی شرکت نکردیم و تالار جلسه را بعنوان اعتراض ترک گفتم . من خیلی متأسفم که باید اینجا رسماً عرض کنم که این مرتبه سوم است که باین حق مجلس شورای ملی تجاوز شده است

اصل دوم قانون اساسی میگوید « مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند » و بموجب اصل هصتم قانون متمم قانون اساسی وزراء مسئول مجلسین هستند و طبق اصل شصت و هفتم قانون در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نماید یا آن وزیر از مقام وزارت منزل است - من می رسم چه مشارکتی در امور سیاسی و معاشی مملکت بالاتر از حق تعیین نخست وزیر و هیئت دولت است که باید مستقیماً این امور سیاسی و معاشی مردم ایران را اداره تصدی نمایند ساز طرف دیگر وقتی شاه از مسئولیت میرا شد و وزراء هم مسئول مجلسین شدند و اگر مجلسین از آنها ناراضی شدند منزل می شوند طبعاً تمییز و انتخاب هیئت دولت هم از حقوق مجلسین است منتها تشریفات انتصاب آنها با صدور فرمان شاهانه انجام می شود - این مطلب بقدری مسلم و بدیهی است که احتیاجی به استدلال و اقامه دلیل نیست و بهترین شاهد صحت این اصل مسلم همانا رویه و طریقه ایست که از بدو مشروطیت ایران در اجرای این اصل مسلم مجری و معمول بوده است

قانون اساسی یک پیمان و قرارداد اجتماعی می باشد که مبتوا پایه وجود استقرار قوای سه گانه مملکت را تشکیل میدهد و اگر این قانون و یا اصول از طرف هر یک از قوای ثلاثه نقض بشود بخودی خود مبتوا پایه وجود هر یک از این سه قوه منزلزل میشود و در آن گان این پیمان و قرارداد اجتماعی سستی راه میباید بنابراین نه مصلحت سلطنت و نه مصلحت مجلسین است که در اجرای این اصول انحراف و تهانی پیش آمد کند جای تأسف است که دولتهای ما که مسئول اداره امور مملکت هستند بجای اینکه نقشه های ثبت و مطالبه شده داشته و متکی بنیات و مقاصد غیر خواهانه و اصلاح کننده خودشان باشند برای خوش آمد گویی همیشه دم از اجرای منویات مقامات غیر مسئول میزنند و هیچ وقت هم کاری از پیش نمی برند - من میدانم این روح تعلق گویی و مدافعه چه وقت از بین مارخت بر خواهد بست و ماکی بجای توجه بالفاظ و القاب و

هنارین تو خالی این حشو و زواید را در آور انداخته به حقیقت زندگی و امور خواهیم پرداخت - همین الفاظ و جملات است که امر را بر مقامات غیر مسئول مشتبه می سازد .

قبل از گذشتن از این بحث و ورود در قسمتهای دیگر ایزاد ات خودم لازم میدانم یک نکته را هم عرض کنم و آن این است که اگر مظفر الدین شاه با اعطاء مشروطیت از خود نام نیکی در تاریخ ایران گذاشت همین قانون اساسی مینا و پایه استقرار سلطنت در خاندان پهلوی می باشد باین جهت اعلی حضرت شاه و خاندان سلطنت باید پیش از همه پای بند و علاقه مند باین قانون باشند و راضی نشوند که در ارکان آن تزلزلی حاصل شود و این رویه مردمان فدا کار صدمت مشروطیت و خون بهای شهداء راه آزادی را سمی بفرمایند دست نخورده و محفوظ نگاه بدارند .

من خیلی متأسفم که دولت آقای علاء به کنه و باطن اوضاع ایران و جریان افکار عمومی درست بی نبرده اند . من جداً مخالفم باینکه آثار عصبانیت و تشنج افکار عمومی مردم ایران را که نتیجه اعمال و افعال هیئت حا که نالایق این مملکت است در لباس تمدن و عصیان نسبت بقوایین و مقررات و انتظامات معرفی کنند . مردمانی که بصداقت جهاد فی سبیل الله جان خودشان را در کف دست میکنند و ملتی را از شر مردمی خیانت کار میرهاندند دارای روح تمدن و عصیان نیستند ( صحیح است ) اینها هم از بزرگترین شهداء راه آزادی این مملکت هستند و تا دنیا دنیا است خاطر ه فدا کاری و از خود گذشتگی این زادمردان در دل ایرانیان زنده خواهد ماند ( صحیح است ) وقتی شما ملتی را بزور سر نیزه در اعماق بدبختی فرو میریزید و ابواب نجات را بر روی آنها می بندید و ابداً توجهی بنافع و مصالح و عقاید و افکار آنها نمی کنید وقتی شما خودتان را مالک القاب این مردم میدانید و خیال می کنید آنها برای کامرانی و حکمرانی شما خلق شده اند نه شما برای خدمت آنها بر مسند صدارت و وزارت و بالاتر نشسته اید آیا این مردم چاره ای دارند جز این که انتقام خود را با فدا کردن جان شیرین خود از شما بی نوعی بگیرند آقای کریم آبادی مدیر روزنامه اصناف را جلب کردند جناب آقای علاء این است که من با ماده اول برنامه شما مخالفم . اگر در این مملکت روح تمدن و عصیان است آری باید در بین هیئت حا که ایران جستجو نمودند در بین ملت ایران این روح تمدن و عصیان است که هیئت حا که بر علیه ملت ایران دارد وقتی شمار مردمی را از بین حق اجتماعی آنها که انتخابات آزاد است محروم می کنید وقتی شما اسرار دارید اراذل و اوباشی ! که کمر بخدمت اجانب بسته اند در رأس کارها نگاه دارند وقتی زبان مردم را می برید و قلم هارامی شکنید و تصاد ایشان بلند شد بزور حکومت نظامی دم از روزگار آنها بر می آورد - وقتی با تمام وسائل واز تمام جوانب ابواب سعادت و آسایش را بر روی آنها بستید آیا باز توقع دارید این مردم برای همیشه و تا بدیشت خودشان را برای سوازی شما محسوس کنند و اگر ازین این مردم اشخاص حساس تاب تحمل را از دست دادند بروی شما نیزه زند باید بگویند روح تمدن و عصیان در این مردم پیدا شده است - حقیقه دانن یک چنین نسبتی بملت بردبار و صبوبر و نجیب ایران خجلت آوراست ! اگر شما درهای اطفاقی را بر روی گز بهای مسکین ببندید و او را با جیب بیازار

این گز بهای مسکین با دندان و پنجه بر گدلی شما خواهد برید آیا انتظار دارید ملت ایران از گز بهای هم بیچاره و ناتوان تر باشد غیر جناب آقای علاء نخست وزیر تحمیلی ماده اول برنامه دولت شما توهینی است بملت ایران و من جدابان اعتراض دارم من برعکس شما معتقدم ملتی که دست از آستین برداری و صبوبر و تحمل بیرون آورد و سزای بد کاران را درز کنار آنها گذاشت این ملت زنده است و نخواهد مرد این ملت بیدار است و دیگر سوازی نخواهد داد و اگر شما باین ماده اول برنامه خودتان میخواستید باز چندی این مردم را برای سوازی دادن حاضر کنید اشتباه بزرگی فرموده اید هم شما اشتباه فرموده اید وهم آنها ای که جنابالی را برای نخست وزیری انتخاب کرده اند - مهالکی که تا بجال از برداری و تحمل این مردم را بر کب مراد سوار بودند و ثروت خدادادی این مردم را به یشامی بردند میخواهند مثل جنابالی این جنش ها و ابراز وجودهای ملت ایران را بحساب روح تمدن و عصیان و کمونیزم بگذارید من میدانم چرا جنابالی و دولت جنابالی باید باین یشامی گران هم صدا و هم آواز شوید من نمی فهمم شما ها چه نفعی دارید که خودتان را در صغوف مخالفین مردم قرار بدهید راجع سیاست خارجی که در برنامه دولت گفته شده است روشن می باشد بنظر من اینطور نیست در این دنیای پر آشوب با موقیبت جغرافیائی بسیار حساس و مشکلی که ایران دارد من تصور نمیکنم مایک سیاست خارجی روشن و مطالعه شده ای داشته باشیم مسالمت و دوستی با تمام همسایگان بجای خود صحیح است ولی در سیاست خارجی یک کشوری مطالب و مسائلی هست که ارتباطی با موضوع مسالمت دوستی ندارد اگر دولت ایران سیاستی داشته باشد این سیاست حتماً چیزی نیست که با مشورت و تبادل افکار و همکاری مجلسین اتخاذ شده باشد و حال آنکه موضوع سیاست خارجی مملکت مسئله ایست که در زندگی و مقدرات فرداً فرد اهالی این کشور موثر است و امنیت مردم بستگی به چگونگی این موضوع است در سیاست خارجی یک کشوری مثل ایران مسئله ای نیست که بفکر یک نفر و یا چند نفر و ا گذار شود اغلب مسافرت هائی از کشورهای خارجه بایران و از ایران بخارجه میشود مثلا چندی پیش بود که پادشاه شرق اردن به ایران آمد و قرار بود اعلی حضرت شاهم بازدید ایشان بروند من میدانم این دیدوباز دیدها و آمندو شد هاروی چه حساب و نقشه ایست و کجا طراخی میشود و مشاورین شاه در مورد این مسافرت ها چه اشخاصی هستند شاید آقا خان باشد و آیا مراکز صلاحیت دار مجلسین از این امور و جریان این مسائل آگاه و مستحضر هستند یا غیر بطور کلی باین سیاست خارجی کشور و آنچه باین سیاست تماس و ارتباط دارد با مشورت و صلاح دید و تصویب مجلسین باشد والا هر عملی که دولت یا مقامات دیگر در این باب بدون موافقت مجلسین بشما بند هیچ وجه مصلحت و صحیح نخواهد بود

و اما راجع به نفت که باید یکی از مواد بسیار مهم برنامه دولت را تشکیل دهد متأسفانه این مسئله بطور ابهام آمیزی بر گذار شده است من خیلی متأسفم که اعلی حضرت در نطقی که در موقع

تحويل بوسیله رادیو پخش شد از ملی شدن صنعت نفت که مورد علاقه ملت ایران می باشد و یکی از مهمترین وقایع سال گذشته و یکی از مهمترین مسائل سال نواست صحبتی نفرمودند ( صحیح است ) - همچنین آقای نخست وزیر هم باز در نطق خودشان این موضوع مهم را بسکوت بر گذار نمودند - اینکه عرض کردم این مسئله مهم در برنامه دولت بشکل ابهام آمیزی مندرج است برای این این می باشد که دولت مینویسد « با در نظر گرفتن تمام جهات و جوانب آن ( یعنی تصمیمات مجلسین در باره ملی شدن صنعت نفت ) و با مطلع شدن از تصمیمات و مطالبات آبه کمیسیون نفت روشی اختیار خواهد کرد که مصالح ایران بعداً کثرت در آن مراعات شده باشد » بنده نمی فهمم دولت غیر از اجرای تصمیمات مجلسین چه اقدام دیگری میتواند بکند و مقصود از جمله با در نظر گرفتن تمام جهات و جوانب این تصمیمات چیست - اگر روشی باید اتخاذ شود که مصالح ایران بعد اکثر در آن مراعات شود این کار وظیفه کمیسیون مخصوص نفت است که با در نظر گرفتن تمام جهات و جوانب کار یک روش و طریقه ای اتخاذ و ب مجلس پیشنهاد نماید که مصالح ایران بعداً کثرت در آن مراعات شده باشد ملی شدن صنعت نفت یک اصل قانونی است و دولت باید هر تصمیمی را که مجلس برای طریقه اجرای این اصل تصویب نموده اجرا کند از خودش رأی ندارد آقایان باید توجه بفرمائید بنابراین دیگر جائی برای این که دولت تمام اطراف و جوانب آن تصمیمات را در نظر بگیرد و روشی که مصلح ایران بعد اکثر در آن مراعات شده باشد اتخاذ نماید نمی ماند - این وظیفه کمیسیون مخصوص نفت است نظر آقای نخست وزیر از این جملات هر چه میخواهد باشد من تصور میکنم این جملات ابهام آمیز بایک نیت منظوری که برای بنده روشن نیست چیست در برنامه گنجانده شده است - بجای این کلمات بیچ و در بیچ جاداشت که دولت در ماده اول برنامه خود مینوشت :

« ماده ۱ - اجرای تصمیم قانونی راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ایران بهر طریقی که قانون بدأ معین بنماید »

من بحکم وظیفه مجلس شورای ملی را بر حذر میکنم که اگر خواستند به برنامه دولت رأی بدهند با تقسیم از برنامه که راجع بنفت جملات ابهام آمیزی دارد رأی ندهید زیرا ممکن است این رأی را دولت بعنوان اجازه و تصیم در این باب تلقی و برای خود در این کار اختیاراتی قائل بشود .

همه مردمان حساس و خیر خواه و بشردوست انتظار داشتند که در برنامه دولت جناب آقای علاء یکی از مواد برجسته موضوع اصلاح وضع رقت بار و شرمت آور زندان های ایران باشد ولی متأسفانه در این مسئله ذکر نشده است و من امیدوارم این سکوت دولت در این باره دال بر عدم توجه دولت بوضع خیلی بد زندانها بر حال رقت بار زندانیان و ساکنین دارالتأدیب ها نیست جناب آقای علاء من بنام انسانیت از جنابالی واز جناب آقای وزیر داد گستری وسایر وزراء که در این کابینه مسئولیت مشترک دارند نمی میکنم هر چه زودتر و بلا درنگ به اصلاح وضع زندانها و دارالتأدیب ها که باید دارالفساد اسم آنها را گذارد توجه فرمائید آقایان بد بختی و فلاکت و فساد اخلاق و ظلم و ستم بقدری در این اماکن

حکمران است که در حقیقت برای ایران و ایرانی موهن است  
 ملاحظه فرمایند فساد اخلاق تاج و حد در این اماکن شیوع دارد  
 که خوابیدن کنار دیوار در اطراف ایوانها و زندان سرقلی دارد -  
 این اوضاع که در پای تخت دولت شاهنشاهی باین  
 شکل باشد وای بحال زندانهای شهرستانها -  
 جناب آقای علامه نخست وزیر خودشان را با برقراری  
 حکومت نظامی در تهران و تعطیل قوانین و در سایه  
 قدرت نظامی و زور سر نیزه آغاز نمودند - البته  
 دولتهائی که متکی بر مردم نباشند آزادانه از طرف  
 نمایندگان ملت بر گزیده نشوند در این قرن اتم در این  
 دنیائی که عقبمانده ترین اقوام عالم دارند زنجیرهای  
 استبداد و استعمار را پاره میکنند بخواهند مجری نیات  
 و اوامر حکومتهای انفرادی باشند چاره ای ندارند جز  
 اینکه بزور سر نیزه و سیاه چالهای شهربانی و محاکم  
 فرمایشی و دستوری نظامی توسل بجویند  
 اینگونه دولتها و شرکت نفت همانطور که در  
 چند روز آخر سال گذشته و اوایل سال نودیدیم سوسی می  
 کنند با کسر کردن حقوق کارگران و ایجاد وحشت  
 در بین مردم و انتشار دادن اخبار ساختگی و دروغی قتل  
 ترور و ایجاد کم یولی تصنیف و عدم پرداخت حقوق  
 مستخدمین و تعطیل تکرارخانه ها و بستن کیش های  
 بانک بروی مردم بمقتل و نظر خودشان زمینه را برای  
 برقراری حکومت نظامی آماده نمایند چندین ساعت  
 بعد از آنکه رادیوی لندن مژده بر قراری حکومت  
 نظامی و تعیین فرماندار نظامی را با صاحبان سهام نفت  
 اعلام کرد دولت جناب آقای علامه توانستند حکومت  
 نظامی غیر قانونی را در شهر تهران اعلام کنند ولی مردم  
 تهران و ایران بیدار تر از آنند که فریب این صحنه  
 پردازیها و زمینه سازیها بیزه و مبتل را بخورند -  
 مردم ایران بخوبی میدانند که حکومت نظامی از ترور  
 و گرفتن حق ملت جلوگیری نمیکند - اگر کسی  
 حاضر شد برای رهاندن ملت از شر هماره خطر ناک  
 جان شیرین خود را در کف دست بگذارد و فدا نماید  
 مسلماً یک چنین شخصی از حکومت نظامی باکی نخواهد  
 داشت - البته دولت آقای علامه این حقیقت را خوب  
 میدانند که حکومت نظامی از قتل های سیاسی که منشاء  
 و مآخذ آن مصیبت مردم میباشد جلوگیری نمیتواند بکنند  
 بعلاوه اصولاً قتل نفس از وقایعی است که در همه جای  
 دنیا اتفاق می افتد مگر برای یک چنین اتفاقاتی که هر  
 روز ممکن است بیافتد کسی حکومت نظامی اعلان نمیکند مگر  
 بین قتل رزم آرا و دکتر زنگنه و قتل های دیگری که  
 واقع می شود از حیث رسیدگی و تعقیب تفاوتی است -  
 سوء قصد نسبت به آقای دکتر زنگنه و حتی آقای  
 رزم آرا هم از همین گونه وقایع است که بهین وجه  
 از حیث تعقیب مظنونین و مجرمین با قتل های دیگر که  
 بوقوع میبوند تفاوتی ندارد و ابداً مجوز و دلیل برای  
 برقراری حکومت نظامی نشود قانون حکومت نظامی  
 که تقریباً در چهل سال پیش تصویب مجلس رسید برای  
 حفظ مشروطیت در مقابل مستبدین و جلوگیری از  
 قیام آنها بر ضد ملت و رژیم مشروطیت ایران بوده این  
 قانون برای این وضع شده است که دولت مشروطه ایران  
 بتواند قیام سالار الدوله ها و محمد علی میرزا هارا بر  
 علیه مشروطیت فرو نشاند - این قانون برای این وضع  
 نشده که امروز حکومت ایران آنرا در کشمکش و  
 نبردی که با ملت ایران مدتی است شروع کرده و با

بر علیه کارگرانی که حق خود را مطالبه می کنند مورد  
 استفاده قرار دهند قانون حکومت نظامی برای این  
 وضع نشده بود در یک موقعی که ملت ایران بلند ترین و  
 محکم ترین قلمهای خود را در راه باره کردن زنجیرهای  
 استعمار و استثمار و برقراری حاکمیت و استقلال سیاسی  
 و اقتصادی واقعی خود برداشته است و این تصمیم  
 تاریخی و نجات دهنده باید در این دو ماه مرحله اجرایی  
 خود را بیسایه یک دولتی نیاید و برای خفه کردن  
 صدای مردم و شکستن قلمها از این قانون بر علیه ملت  
 ایران و رژیم مشروطیت سوء استفاده نماید هر کس  
 خیال بکند باین وسایل می تواند ملت ایران را از  
 گرفتن حق خود محروم سازد (حاجتی - دشمن شاد گردید  
 آقای علامه را و لقمه از گلوی مردم بیرون بکشند و بگذارند  
 ثروت ملی مادر دست بیگانگان باقی بماند تا وسائل راحتی  
 کاخ نشینان یک چند روزی بیشتر فراهم شود خیال  
 باطلی کرده است احصاب کارگران و پانزده روزم آرا  
 و یا کلوله ای که بطرف دکتر زنگنه رهشاده هیچ وجه  
 نمی توانست مجوزی برای برقراری حکومت نظامی  
 بشود -  
 این دو نفر ویا کمیانی نفت حکومت مشروطه  
 ایران نبودند که یا قیام بر علیه آنها یا مطالبه حق  
 کارگران از آنها مخالفت با حکومت و دولت مشروطه  
 ایران تعبیر و تلقی شود دولتی که متجاوز از ( ۱۵ )  
 روز است از مقررات حکومت نظامی سوء استفاده  
 کرده اند بمن بگوئید کدام توطئه و قیام دامنه دار را بر  
 علیه رژیم مشروطیت ایران کشف کرده اند بمن  
 بفرمائید کدام شورش و انقلاب و قیام عمومی در حال  
 تکوین و بیدایش بوده است که موجب شود مردم را  
 تسلیم حال شهربانی و حکومت نظامی بنمایند بمن  
 بگوئید که بر علیه رژیم مشروطیت ایران توطئه ای بر-  
 پا هست -  
 آقای نخست وزیر جناب عالی که مردم بجز دنیا  
 دیده ای هستید باید تشخیص داده باشید که بر علیه مشروطیت  
 ایران بر علیه حکومت قانون و قانون اساسی ایران  
 از چندین پیش مقاصد و نیاتی اعمال میشود هدم  
 رعایت سنت پارلمانی رأی تمایل و تحویل دولت های  
 فرمایشی بر مملکت و بازاری در نگاهداری اینگونه  
 دولتها و طرفداری از کسانی که بیشتر بهتر بتوانند  
 بر علیه آزادی حق مردم اقدام و قیام نمایند و تشکیل  
 مجلس مؤسسان قلابی برای گرفتن اختیار انحلال  
 مجلسین و تعطیل مشروطیت و کوشش در گرفتن  
 حق و توطئه داخله مستقیم در کارهای دولت و در دست  
 گرفتن سیاست خارجی کشور و بخود راه دادن اشخاص  
 مشکوک و بطور خلاصه سعی در ایجاد حکومت فردی  
 و دیکتاتوری و تجاوز و تخلف از روح و مفاد قانون  
 اساسی تمام اینها مقاصد و نیاتی میباشد که مشروطیت  
 ایران را در خطر بزرگی قرار داده است - امروز  
 ملت بیدار ایران دیگر حاضر نیست زیر بار حکومت  
 های فردی رود - هنوز مردم دنیا بدبختیها و فلاکت  
 ها و نا کامیهای را که حکومت های دیکتاتوری و فردی  
 هیتلر ها و موسولینها برای ملت های خودشان فراهم  
 نمودند فراموش نکرده اند هنوز مردم ایران خاطره  
 های وحشت انگیز و زور گزین خط حکومت بیست ساله که  
 ایران را بوضع کنونی و روز سیاه انداخت فراموش

نموده اند امروز دیگر میلیونها نوع بشر حاضر نمی  
 شوند مقدرات خود را در کف بکشور برای وفکر یک  
 نیر بسیارند - حکومت کردن بر یک ملت ناراضی و سوسی  
 در تعیل فکر و رای فردی بر یک ملت ( ۱۸ )  
 میلیونی بیدار و نکته سنج ها فلان نیست و موجب همین تشنجات  
 میشود - اگر رزم آرا با رای اعتماد دستوری و سفارشی  
 در مستند نخست وزیری باقی نیمانند اگر دکتر زنگنه بر  
 خلاف تمایل مردم در کابینه تعیل نباشد چه بسا امروز  
 از نعمت حیات محروم نبودند - باید منشاء و سرچشمه  
 این وضع را معلوم کرد و راجع به آن اقدام کرد و کشاکش  
 حقیقه ایست که بین مردم و طالبین طرفداران حکومت  
 فردی درگیر است سولی دولت آقای علامه آقای سرتیپ حاجازی  
 آنروز در لشکر امروزی که میگویم مورد توجه اعلی حضرت  
 است ( ناصر ذوالفقاری - بسیار مرد شریفی است ) و  
 ظاهراً در دوران فرمانداری نظامی خود در  
 خوزستان خوب انجام وظیفه کرده است بریاست شهربانی  
 منصوب نمودند احساس میشد که فکر برقراری حکومت  
 نظامی در تهران در دماغ دستگاه حکومت زود به  
 نتیجه میرسد هنوز این دولت تشکیل نشده بود و مجلس  
 هم معرفی نشده بود که حکومت نظامی را در تهران  
 اعلان نمودند تنها چند ساعت بعد از آنکه این مژده  
 را رادیوی لندن در دنیا پخش نمود - البته اعلان  
 حکومت نظامی در تهران برای تکمیل پیرونده بین -  
 المللی افشاش و هرج مرج ایران و هم چنین برای ریختن  
 در خانه های مردم در دل شب و برداشتن لطف از  
 روی زندهای مردم و بزندان انداختن همه کنعری و  
 توقیف روزنامه ها و ایجاد ترور پستی در شهر و پاک  
 کردن خورده حسابها و تجاوز به حقوق مردم خیلی  
 مفید بود هر قدر این جمله خیلی بر از شجاعت و رشادت  
 دولت بر علیه روح تیرد و مصیبتی که جناب آقای علامه  
 به پیروی از نیات غیر شخصی برای مردم ایران قابل  
 شدید یک عقب نشینی مشمشمانه ای هم خیلی زود در دنبال  
 داشت - حکومت نظامی در تهران مرحوم شد ولی  
 در محل نشو و نما ی اصلی خود که خوزستان است  
 هنوز باقی است و برای خفه کردن صدای کارگران  
 و فراهم نمودن موجبات حمله هشایر بکارگران بی -  
 فایده نیست آن دفعه هم همینطور شد من نمیدانم این  
 رسم گذاشتن افسران ارتش بریاست شهربانی مملکت  
 بچه ملت مدتی است متداول شده اگر واقفاً در همه  
 جای دنیا رؤسای شهربانی از افسران ارتش انتخاب  
 میشوند بیاید و شهربانی ایران را هم بیکباره جزو  
 تشکیلات ارتش بکنند تا مردم تکلیف خودشان را  
 بدانند - اگر سابق بر این شهربانی و ژاندارمری از  
 ارتش مجزا و جزو وزارت کشور بودند روی یک  
 مصلحتی بود - مصلحت مملکت در این است که ارتش  
 و ژاندارمری و شهربانی سه قوه مجزا و از هم  
 تفکیک باشند - چه مانعی دارد که از افسران لایق  
 و شایسته شهربانی بریاست این اداره مهم بکارید یا  
 یک نفر از مأمورین شایسته عالی رتبه کشوری را در  
 رأس این اداره بگذارید و یکی دو نفر از افسران خوب  
 شهربانی را معاون بکنید -

قابل تعقیب هستند تمام اشخاصی که در اثر این اعلان  
 توقیف شده اند باید فوراً آزاد شوند تمام روزنامه هائی که  
 توقیف شده اند باید از توقیف خارج شوند تمام کسانی که  
 بهر نحوی از انشاء مورد مزاحمت حکومت نظامی  
 واقع شده اند باید نسبت بأمورین و متصدیان مربوطه  
 اقدام دعوی جزائی بنمایند و اعلام جرم کنند من از  
 جناب آقای وزیر دادگستری خواهش میکنم و انتظار  
 دارم ترتیبی بدهند که مقامات صالحه وزارت دادگستری  
 و قضائی باین جرائم رسیدگی بکنند ( صفائی - خودشان  
 شرکت داشتند در اعلام حکومت نظامی ) بقراری که  
 شایع است در زمان نخست وزیری آقای رزم آرا نقشه  
 یک کودتا و یک عمل شدید طراحی شده بوده است  
 گفته میشود قرائین و آثاری هم از این توطئه و نقشه  
 در دست است این موضوع باید مورد رسیدگی جدی  
 واقع شود جناب آقای علامه اگر روح تیرد و مصیبتی  
 در کار باشد باید آنرا در دستگاه دولت جستجو نمود  
 موضوع کمبود اسکناس و عدم پرداخت حقوق هم با  
 این نقشه و طرح شاید بستگی داشته باشد باین قسمت هم  
 باید رسیدگی کامل بشود دولت جناب آقای علامه  
 دولتی نیست که موضوع اشکال ساختگی اسکناس و کسر  
 بودجه ضمنی و عدمی دولت را مطابق مصالح مردم  
 این کشور حل نماید. بالاخره این دولت از این اشکالات  
 همان نتیجه را خواهد گرفت که کمیانی نفت مهتها انتظار

آنرا دارد خود دولت بطور ضمنی اذعان دارند که  
 اسکناسها جمع آوری شده است موشها برده اند موشهای  
 همین کسر بودجه هنگفت دانست و فهمیده و صدی چندین  
 سال دولتهای ایران هم چیزی نیست که کسی نداند  
 منظور از این مقدمات آنستکه اولاد دولت و ملت ایران  
 چنان گرفتار بدبختیها و اشکالات مالی و اقتصادی  
 باشند که نتوانند از حقوق خود دفاع و جلوی بیماگری  
 آنها را که برای دولار و مواد نفتی ایران چکرشان  
 لک زده است بگیرد تا با انتشار اسکناس بیش  
 از پیش وسائل انحراف مستخدمین دولت و فقر اقتصادی  
 مردم ایران و تفرقی ارزهای کمیانی نفت  
 و بالتجیه نفع کمیانی نفت را فراهم نمایند - وجود  
 کنترل ارز و داشتن نرخ طبعاً از کنترل قهری لیره  
 جلوگیری خواهد کرد و مأمورین دولت خواهند توانست  
 با بالانگه داشتن قیمت لیره خدمت بزرگی به کمیانی  
 و گرانی زندگی مردم ایران که آنهم کمال مطلوب  
 این کمیانی است بنمایند - اوضاع اقتصادی ما بقدری  
 رونق گرفته و فعالیت اقتصادی چنان در مملکت بالا  
 گرفته است که این اسکناسهایی که در جریان است و  
 بیشتر آنها را موشها برده و خورده اند برای مقابله  
 با این رونق خیره کننده کافی نیست در تمام دوره  
 بیست ساله که در اثر امنیت ظاهری وضع اقتصادی  
 ایران بررانباز امروز بهتر بود کمبود اسکناس معسوس  
 نشد ولی امروز ملت ایران بقدری یول دار و متوسل  
 شده است که ۷۸۰ میلیون تومان اسکناس در جریان  
 برایش کافی نیست این است استدلال و طرز فکر این  
 دولت دوستگاهی که دانست و فهمیده یا ندانست و فهمیده  
 بالاخره در همان خط سیر و راهی را که نقشه ماهرانه  
 از ما بهتران از مدتها پیش ترسیم نموده و خواهی  
 نخواهی باید در آن طی طریق نماید سیر خواهد  
 نمود که آن شهادت که چاقوی برنده جراحی بوده  
 دولت را بدست بگیرد ؟ ( جمال امامی - آقای نریمان  
 خوب بود با آقای دکتر مصدق قبلاً توافق میکردید  
 بعد این صحبتها را میفرمودید ) وبدون ترس و ملاحظه  
 خرجهای زائد را حذف کند - کو آن احساسات  
 خدمتگزاری صادقانه به مملکت و مملکت که جرات کنند نرخ  
 لیره را تنزل دهند و بگذارند بازار آزاد و عرضه و  
 تقاضا نرخ حقیقی این بلای ایران را تعیین نماید و  
 مشکل دولت و اسکناس را حل کند ( صفائی - بسیار  
 خوب بود ) ( ممدل - آقای نریمان این نطق هیچ شبیه  
 نطق شما نبود )  
 ( هفتمین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه )  
 رئیس - چون وقت گذشته جلسه را ختم  
 میکنیم جلسه آینده روز سه شنبه خواهش میکنم آقایان  
 اول وقت تشریف بیاورند ( یک نفر از نمایندگان کان - ساعت ۹ )  
 دستور هم برنامه دولت  
 ( مجلس یک ساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد )  
 رئیس مجلس شورای ملی رضا حکمت